

حقوق بین الملل بشر دوستانه در پرتو فقه اسلامی مبانی و اصول اسلامی روابط بین الملل

دکتر علی محی الدین قره داغی^۱

ترجمه: سیدحسن نجاتی زاده

خداوند با ارسال شریعت اسلام به عنوان رحمت، خیر و سعادت و مصلحت، به بندگان کرامت ارزانی داشت و فرمود: «وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا»^۲ و در توصیف پیامبر اکرم حضرت محمد فرمود: «و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین»^۳ نیز فرمود: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ»^۴.

همان گونه که اسلام برای مسلمانان نیکی و هدایت و بشارت است، برای جهانیان نیز رحمت و برای همه مردم درمان است. از این رو علما این حقیقت را به خوبی درک کرده اند که تأکید نموده اند شریعت اسلامی برای تحقق بخشیدن به مصالح و از بین بردن مفساد تشریح شده و هر کجا شریعت

۱ - دبیر کل اتحادیه جهانی علمای مسلمان و نایب رئیس شورای فتوا و پژوهش اروپا.

۲. سوره نحل / آیه ۳۰.

۳. سوره نساء / آیه ۱۰۷.

۴. سوره نحل / آیه ۸۹.

باشد، همان‌جا مصلحت است و هر کجا مصلحت حقیقی باشد، همان‌جا شریعت الهی است. عز بن عبدالسلام می‌گوید: آنچه از احکام شرع و منابع آن فهمیده ایم، این است که هدف شریعت تنها تأمین مصالح بندگان در دنیا و آخرت آنهاست^۱. همچنین ابن‌قیم می‌گوید: مبنا و پایه شریعت حکمت و مصلحت بندگان در دنیا و آخرت است و تمام شریعت، عدالت، مصلحت، رحمت و حکمت است، از این‌رو هر مسئله‌ای که از عدالت، رحمت، مصلحت و حکمت به ستم، شقاوت، مفسده و بیهودگی گراید، از دایره شریعت بیرون است، هر چند که با تفسیرهای نادرست در دین جا داده شده باشد^۲.

از این خاستگاه و براساس این اصول است که اسلام توانسته است مسائل مربوط به شرایط جنگ، حقوق بشر در بحبوحه‌ی درگیری‌ها و نیز قواعد و عرف‌های بین‌المللی را که این امور را تنظیم می‌کند و به عنوان، قانون بین‌المللی بشر دوستانه شناخته می‌شود، حل نماید. اهمیت بررسی این اصول که حاکم بر این مسائل است، در این نهفته است که عظمت، مهربانی و نیز چندین قرن تقدم اسلام نسبت به حقوق وضعی در تدوین این مسائل را آشکار می‌نماید. این تقدم صرفاً زمانی نیست، بلکه از جهت محتوا و ریشه‌داری و اجرای عملی آن در سیره پیامبر بزرگوار اسلام سیره خلقای راشدین، خاندان پاک پیامبر، اصحاب ایشان و نیز تابعین حضرت در جنگ با دشمنان نیز اسلام نسبت به قوانین وضعی دارای تقدم است.

همزمانی برگزاری این کنفرانس با حملات وحشیانه بر ضد اسلام و مسلمانان، به ویژه آن که دشمنان اسلام در طول سالیان دراز و خصوصاً پس از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به دنبال بدنام کردن اسلام بوده‌اند، بر اهمیت آن می‌افزاید.

در این مقاله در حد توان تلاش کرده ایم مهمترین مبانی و اصول حاکم بر روابط بین‌الملل به

۱. قواعد الأحكام، عز بن عبد السلام، (۳۵/۱) چاپ الریان، قاهره.

۲. اعلام الموقعین، چاپ، الازهریة (۱۴/۳).

ویژه در زمان جنگ را توضیح دهیم و مقایسه‌ای میان قانون بین‌المللی بشردوستانه و مبانی و اصولی که اسلام در طول چندین قرن بنا نهاده است، داشته باشیم. از خداوند متعال خواهانم همه کارهای ما را قرین اخلاص و قبول قرار داده و ما را از هرگونه خطا و لغزش در عقیده و گفتار و عمل مصون دارد. اِنَّهٗ مولانا فنعم المولى و نعم النصير.

اول: تعریف موضوع

مقصود از قانون بین‌المللی بشر دوستانه

مجموعه قواعدی که هدف از آن محدود کردن آثار مخاصمات مسلحانه به دلایل انسانی و حمایت از شهروندان در قبال صدمات ناشی از رفتار خصومت آمیز و نیز محدود نمودن استفاده از ابزارها و روش‌های مورد استفاده در جنگ می‌باشد، قانون جنگ یا قانون مخاصمات مسلحانه گفته می‌شود.

این قانون جزئی از قانون بین‌المللی است که شامل توافق نامه‌های امضا شده بین کشورهای مختلف است که به حکم اجرای آن از سوی این کشورها لازم الاجرا شده است، با این حال، از منع استفاده فعلی دولت‌ها - ذکری به میان نیاورده است از قدرت را - که جزئی از قانون بین‌المللی مذکور در میثاق سازمان متحد است - ذکری به میان نیاورده است.

بخش عمده‌ای از قانون بین‌المللی بشردوستانه در توافق نامه‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۴۹ آمد. پس از آن کشورهای عضو سازمان ملل متحد به آن متعهد شدند. سپس از طریق دو پروتکل مصوب در سال ۱۹۷۷ و توافق نامه ۱۹۵۴ لاهه و دو پروتکل آن در مورد حمایت و مصونیت اماکن فرهنگی در زمان جنگ و توافق نامه منع استفاده از سلاح‌های بیولوژیک ۱۹۷۲ و توافق نامه منع استفاده از سلاح‌های کمری و پروتکل‌های چهارگانه آن در سال ۱۹۸۰، و توافق نامه منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی سال ۱۹۹۳ و معاهده عدم استفاده از مین‌های ضد نفر در سال ۱۹۹۷ و نیز پروتکل داوطلبانه در خصوص عدم مشارکت کودکان در مخاصمات مسلحانه در سال ۲۰۰۰ تکمیل

شده است.^۱

اصول قانون بین‌المللی بشردوستانه به مبادی کلی موجود در ادیان و تمدن‌های باستانی برمی‌گردد، ولی تدوین و تنظیم آنها از قرن نوزدهم آغاز گردید ولی تا سال ۱۹۴۹ یعنی پس از دو جنگ جهانی - که فجایعی در آن رخ داد که از آن بر پیشانی بشریت عرق شرم می‌نشیند - به تصویب نرسید.

کیفیت حمایت

قانون بین‌المللی بشر دوستانه از غیرنظامیان، کارکنان بخش پزشکی، دینی، مجروحان جنگی، بیماران و نیز اسرای جنگ حمایت می‌کند. به این صورت که کشورهای در حال جنگ را ملزم می‌کند که به زندگی، سلامت جسمی و روحی آنان احترام بگذرند و با آنان رفتاری بشردوستانه و انسانی داشته باشند. همچنین این قانون با اعطای ضمانت‌اجراهای قضایی، جلوگیری از کشتار و یا زخمی کردن اشخاص، جمع‌آوری افراد زخمی، مریض و توجه به درمان آنان، از افراد یاده شده حمایت می‌کند در عین حالی که قواعد مفصلی را در خصوص موضوع اسرا و وضعیت و شرایط آنان تعیین کرده، دولت‌ها را از هرگونه تعرض به آنها منع می‌کند و متخلفان را مجازات می‌نماید...^۲

قانون بین‌المللی بشردوستانه اقدام به معین کردن برخی از علایم ممیزه ای می‌کند که استفاده از آنها برای تشخیص هویت اشخاص و اشیا و اماکن تحت حمایت امکان‌پذیر است. همانند علامت هلال احمر یا صلیب سرخ و علامت‌های مربوط به اماکن فرهنگی و سازمان‌های دفاع غیر نظامی.

۱. دکتر جعفر عبد السلام: قانون بین‌المللی بشر دوستانه، مقاله منتشر شده در مجله دانشکده فقه و حقوق قاهره، شماره دوم ۱۴۰۶ هـ ق ص ۱۶۶، و دکتر عبد الغنی محمود: قانون بین‌المللی بشر دوستانه، ص ۵، پایگاه رسمی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ICRC و ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد، اصطلاح حقوق بین‌الملل.
۲. همان.

موارد ممنوع در قانون بین‌المللی بشر دوستانه

- ۱ - سلاح‌ها و طرح‌های نظامی که میان سربازان جنگی و شهروندان تفاوتی نمی‌گذارد.
 - ۲ - آنچه موجب دردهای شدید شود.
 - ۳ - آنچه باعث ضررهای کلان و طولانی مدت برای محیط زیست شود.
- از این رو استفاده از بسیاری سلاح‌ها مثل سلاح‌های بیولوژیک، شیمیایی، سلاح‌های لیزری که موجب کوری می‌شود، مین‌های ضد نفر و نیز استفاده از شلیک رگبار در بدن را ممنوع نموده است.^۱

آیا قانون بین‌المللی بشر دوستانه در جنگ‌ها رعایت می‌شود؟

متأسفانه کشورهای در حال جنگ و حتی کشورهای پیشرفته از رعایت این قانون سرباز می‌زنند. دیدیم که ارتش اشغالگر آمریکا در عراق و افغانستان و در زندان ابو غریب و قلعه الموت در کابل چه کرد. اما آنچه از قانون بین‌المللی بشردوستانه می‌توان استفاده نمود، آن است که در صورت نقض آن می‌توان به دستگاه قضایی متوسل شد و دولت‌ها یا اشخاص را به جنایات جنگی متهم کرد و از آنها غرامت و غیره گرفت.

الزامی بودن آموزش قانون بین‌المللی بشر دوستانه

دولت‌های امضاء کننده این قانون، موظف به آموزش آن به نیروهای مسلح و عموم مردم و جلوگیری از نقض آن و مجازات متخلفان هستند. همچنین در صورت نقض توافق‌نامه‌های ژنو و دو پروتکل الحاقی آن رعایت نکنند، مجازات شدیدتری را اعمال نمایند. کشورها موظفند قوانینی را وضع نمایند که طبق آن از صلیب سرخ و هلال احمر حمایت شود.

از این رو در مواردی تدابیر بین‌المللی اتخاذ شد، از جمله در خصوص جنایت‌های صورت گرفته در درگیری‌های اخیر یوگسلاوری سابق و رواندا، دو دادگاه بین‌المللی تشکیل شد. همچنین دادگاه

۱. پایگاه رسمی کمیته صلیب سرخ ICRC.

جنائی بین المللی جنایات جنگی بر اساس نظام حقوقی رومی تأسیس گردید؛^۱ بنیانی که در سال ۱۹۸۸ میلادی به تصویب رسید.

چالش‌های معاصر فراروی قانون بین المللی بشر دوستانه

چالش‌های بسیاری فراروی اجرای این قانون وجود دارد که به نظر من مهم‌ترین آنها عبارتند از: الف) چالش اخلاقی یا بحران اخلاقی که جهان امروز، با آن مواجه است. چرا که تعهد اخلاقی دولت‌ها و اشخاص کم شده است. آنچه در زندان ابو غریب عراق و قلعه الموت در افغانستان از سوی اشغالگران آمریکایی صورت گرفت و یا استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط ارتش عراق در حلبچه در مارس سال ۱۹۸۸ که در آن طی چند دقیقه، پانزده هزار کودک، زن، سالمند و جوان جان خود را از دست دادند و یا آنچه در رواندا و یا در بوسنی و هرزگوین رخ داد دیدیم؛ اعمالی که لکه ننگی بر پیشانی عصر حاضر است.

ب) درهم آمیختگی مسائل بشردوستانه و تروریسم و اشغالگری، و اقدام دولت‌ها زیر چتر آنچه جنگ علیه تروریسم نامیده می‌شود، به نقض هولناک حقوق بشر در حالت صلح و جرایم جنگی در زمان جنگ و درگیری.

ج) خصوصی سازی جنگ: به معنای ورود شرکت‌های امنیتی و نظامی به منظور انجام مأموریت‌های نظامی بر اساس قراردادهای مالی است که گاه به میلیاردها دلار می‌رسد. اکثر افرادی که جهت کار در این شرکت‌ها انتخاب یا به کار گرفته می‌شوند، از کشورهای فقیر و از تبهکاران هستند یا حداقل افرادی هستند که برای کشتار مردم استخدام شده‌اند. از این رو بیشتر این افراد به هیچ ارزش اخلاقی و انسانی پایبند نیستند و بیشترشان هیچ قانون بشر دوستانه‌ای را به رسمیت نمی‌شناسند، و تنها چیزی که بر ایشان اهمیت دارد، حفظ جان خود و رسیدن به دست‌مزدهای کلان و عایداتی است که به صورت مخفی به دست می‌آورند.

د) سایه افکندن نگرانی‌های امنیتی بر ارزش‌ها و اخلاق و قانون در بیشتر کشورها، خصوصاً زیر چتر جرایم تروریستی که در آمریکا، انگلستان و اسپانیا رخ داد. و در نتیجه، دولت‌ها و دستگاه‌های امنیتی آنها به هر قیمتی تنها به فکر جلوگیری از اقدامات تروریستی هستند.

ه) جنگ‌ها و درگیری‌هایی که گروه‌های شورشی یا تروریستی در بیشتر نقاط جهان به‌راه می‌اندازند، به‌گونه‌ای که این گروه‌ها خود را به هیچ قانونی متعهد نمی‌دانند و مشکل اساسی در رابطه با شهروندان غیر نظامی که بزرگ‌ترین قربانیان جنگ هستند، در اینجا نهفته است.

آقای ژکون کلینبر، رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تاریخ ۲۰۱۰/۹/۲۱ در سخنانی به این چالش‌ها اشاره کرده و می‌گوید:

ماهیت مخاصمات مسلحانه و اسباب و نتایج آن در طول سالیان تغییر کرده است و از جامعه جهانی انتظار می‌رود نیازهای جدید در زمینه حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه را مطرح کند و آمادگی پذیرش آنها را داشته باشد.^۱

کارشناسان این کمیته بین‌المللی اقدام به انجام پژوهشی علمی و میدانی در خصوص این چالش‌ها و چگونگی حل آنها کرده‌اند، که نظر به اهمیت موضوع خلاصه‌ای از آن را ذکر می‌کنیم:

این پژوهش به این نتیجه رسید که قانون بشر دوستانه همچنان به‌عنوان چهارچوبی مناسب جهت تنظیم رفتار اطراف مخاصمه مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی، و آنچه مربوط به بیشتر مسائل مورد پژوهش است، می‌باشد. در طول سالیان، قانون معاهدات و قانون نظامی به‌طور یکسان متحول شده‌اند. از این رو نیاز به حل برخی مشکلات و یا توضیح بعضی از اشکالات احساس می‌شود. در عین حال تجارب اخیر تداوم اهمیت قانون بشردوستانه و هماهنگی آن در حمایت از زندگی و کرامت انسان‌ها در جریان مخاصمات مسلحانه را ثابت می‌کند. آنچه در جهت بهبود بخشیدن به اوضاع افراد زیان دیده از مخاصمات مسلحانه در اکثر موارد مورد نیاز است، وضع قوانین جدید نیست،

۱. همان.

بلکه تقویت اطاعت از قوانین موجود است. اگر بگوییم بیشترین مشکلات بشری که امروزه به آن مواجه هستیم، در صورت رعایت قوانین بشر دوستانه توسط اطراف و اشخاص از بین خواهند رفت، به خطا نرفته‌ایم.

از این رو لازم است تمام تلاش‌های در جهت تحکیم و تقویت قانون بین‌المللی بشر دوستانه در چهارچوب قانون موجود باشد و نیازی به بحث و جدل در مورد قوانینی که سالیان سال، هماهنگی آنها با نیازهای بشری به اثبات رسیده، نیست.

مناسب است در این زمینه یادآور شویم که تحکیم و تقویت قانون مذکور می‌تواند که در کنار آن به سازمان‌های دیگری که به این موضوع ارتباط دارند، نیز اهمیت داده شود.

همچنین پرهیز از هرگونه تغییر و توضیح در قانون بشر دوستانه که با قواعد موجود در قانون حقوق بشر ناهماهنگ است، ضروری می‌باشد. نیز می‌بایست از هر اندیشه‌ای که منجر به بی‌اعتبار کردن این قواعد می‌شود، اجتناب ورزید. با این تفاوت که احترام به قانون بشر دوستانه در هر شرایطی به عنوان تنها عنصر مجسم پیش چشم ما باشد، در حالی که در موارد ضروری اجازه داده می‌شود که از برخی احکام حقوق بشر دست کشید، و در نتیجه، بتوان به تدوین قانون بشر دوستانه در جلوگیری از بروز موانع قانونی در جهت اجرای آن مساعدت نمود. تحقیق نشان می‌دهد که این قانون نمی‌تواند همواره همه نیازهای فعلی بشر را تأمین کند و برخی چالش‌ها در زمینه حمایت از اشخاص و اشیا ناشی از موانع یا نقاط ضعف در قوانین موجود است که نیازمند تغییر و توضیح هستند. این کمیته به صورت دقیق‌تر، به این نتیجه رسیده که قانون بشر دوستانه می‌بایست در چهار حوزه اصلی جواب‌های جدیدی ارائه نماید:

حوزه اول: شامل حمایت از افراد محروم از آزادی، خصوصاً در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی است. و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ سالانه هزاران تن از زندانیان را ملاقات می‌کند. این کار باعث شده است تا این سازمان درکی منحصر به فرد از مشکلات قانونی و عملی ناشی از محرومیت از آزادی داشته باشد.

درست است که گاهی عدم وجود زیر ساخت‌ها و عوامل هماهنگ، مانع از ایجاد نظام بازداشت

شایسته است، ولی فقدان استانداردهای قانونی لازم الاجرا در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی نیز به‌نحوی مشابه مانعی بزرگ در برابر حمایت از زندگی، سلامتی و کرامت زندانیان به وجود می‌آورد. بی‌شک شرایط مادی ناسالم دوران بازداشت، اغلب آثار سوء مستقیمی بر سلامت جسمی و روانی زندانیان می‌گذارد که رفع آنها در آینده امکان‌پذیر نخواهد بود. از جمله مشکلات همراه بازداشت که شایع‌تر است، نبود تغذیه و آب و لباس مناسب، نبود امکانات بهداشتی و شرایط مناسب سکونت، و دشواری دسترسی به خدمات پزشکی لازم است. بعضی گروه‌ها همچون زنان و کودکان به دلیل نیازهای خاص خود در زمینه حمایت بیشتر در معرض خطر می‌باشند.

با این وجود، در حالی که قوانین مفصل و الزام‌آوری در مورد شرایط بازداشت در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی وجود دارد اما قوانین از این دست بر مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی حاکم نیست، خصوصاً مخاصماتی که پروتکل الحاقی دوم شامل آن نمی‌شود و در نتیجه، تنها ماده ۳ مشترک بین معاهدات چهارگانه ژنو بر آن حاکم است.

مشکل انسانی مهم دیگری که وجود دارد، در عدم برخورداری برخی بازداشت‌شدگان و زندانیان در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی از حمایت کافی، به دلایل امنیتی نهفته است. در این گونه موارد افراد به طور بسیار گسترده و بدون آن که اتهاماتی جنایی متوجه آنان باشد، بازداشت می‌شوند، چرا که این کار یکی از راه‌های مراقبت از آنان می‌باشد، و معاهدات قانون بشر دوستانه در برخورد با این وضعیت در طی مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، واجد هیچ‌گونه ضمانت اجرایی قضایی نیستند. از این رو بازداشت‌شدگان در معرض پیامدهایی از جمله احتمال بازداشت طولانی مدت بدون تفهیم اتهام و ذکر دلایل محرومیت آنان از آزادی و نیز عدم وجود هرگونه اقدامات قانونی در خصوص اعتراض به بازداشت یا تأمین آزادی آنها، است.

کارشناسان کمیته بر این واقعیت تأکید می‌کنند که طولانی بودن مدت بازداشت افراد و عدم شناخت دلایل آن، یکی از منابع اصلی رنج و مشقت است که زندانیان و خانواده آنها با آن درگیرند.

مشکل دیگری که بازداشت‌شدگان با آن روبرو هستند، خطرهایی است که هنگام انتقال آنان از

یک کشور به کشور دیگر، چه در زمان انتقال و چه پس از آن مواجه می شوند. اینان در بعضی موارد از تجاوزهای خطرناکی به حقوق خود رنج برده اند، از جمله خشونت، شکنجه، مخفی شدن اجباری و حتی قتل. واضح است که توجیحات قانونی بازداشت آنان در چنین حالاتی کافی نیست، و این یعنی، ضرورت مبرم وجود مجموعه ای از قوانین که امکان اجرایی شدن را داشته باشند، ضروری است. همچنین لازم است امکان این که هیئت مستقل و بی طرفی همچون کمیته بین المللی صلیب سرخ داشته باشند، تضمین شود. این گونه ملاقات ها ضمن آن که باعث آشنایی با مشکلات آنان می شود، زمینه گفتگو برای اصلاح رفتار با زندانیان و اوضاع و احوال مادی بازداشت آنان را به وجود می آورد.

قانون حاکم بر مخاصمات مسلحانه بین المللی، حق ملاقات اشخاص محروم از آزادی را به رسمیت می شناسد، ولی با توجه به این که دستگیری اکثریت قاطع زندانیان و بازداشت آنان، امروزه طی مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی صورت می گیرد، این حق در چهارچوب قانونی که حاکم بر این نوع مخاصمات مسلحانه است، وجود ندارد.

کمیته بین المللی با استناد به این رهیافت ها معتقد است: کشف راه های قانونی جدید جهت حل کامل موضوع حمایت از اشخاص محروم از آزادی در مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی ضرورتی مبرم است.

اجرای قانون بشر دوستانه و اجرای عدالت و انصاف در خصوص قربانیان تجاوزات، زمینه دیگری است که تجدید نظر و ارتقای آن نیازی مبرم است. بی احترامی به قوانین لازم الاجرا، علت اصلی رنج بسیاری از مردم در زمان درگیری های مسلحانه است. طی سال های اخیر تلاش خوبی جهت وضع موادی در قانون جنایی شده است، که بر اساس آن می توان افرادی را که تخلفات و تجاوزات خطرناکی از قوانین بشر دوستانه داشته اند، مورد تعقیب قضایی قرار داد. اما در هر حال اکنون نیز جلوگیری از تجاوزات چنین و نیز جبران خسارت ناشی از آن حل نشده باقی مانده است.

ثابت شده که بیشتر ساز و کارهایی که قانون بشر دوستانه بر آن تأکید کرده، تاکنون کافی نبوده است. اقدامات مورد نظر خصوصی مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی این گونه اقدامات اصلا وجود

ندارد.

به جای آن، اجرای فعالیت‌های نظارتی در مخاصمات مسلحانه به وسیله ساز و کارهایی که خارج از چهارچوب قانون بشردوستانه وضع شده‌اند، امکان پذیر شد. به طور مثال می‌توان به نظارت در چهارچوب شورای امنیت سازمان ملل متحد، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و یا سازمان‌های منطقه‌ای مدافع حقوق بشر اشاره نمود. شاخصه اصلی این ساز و کارها در امکان استفاده از آنها بدون تحصیل موافقت اطراف نزاع و همچنین در این که این سازوکارها بر همه‌ی اشکال مخاصمات مسلحانه، اعم از بین‌المللی و غیر بین‌المللی منطبق است.

البته این سازوکارها نیز با محدودیت‌هایی روبرو هستند. به‌عنوان مثال برخی از آنها تنها بر عملکرد دولت‌ها تأکید دارند و مسؤولیت‌های اطراف غیردولتی مخاصمه را مطرح نمی‌کنند. علاوه بر آن برخی از هیئت‌ها قانوناً ملزم به اجرای قانون حقوق بشر می‌باشند؛ امری که رعایت مقررات قانون بشردوستانه مخاصمات مسلحانه را برای آنها سخت می‌کند. مشکل دیگر آنکه اطراف مخاصمات جهت اجرای اقدامات نظارتی این سازمان‌ها، همیشه حاضر به همکاری نمی‌شوند.

موارد فوق باعث شده است که قوانین موجود راه حل‌های غیر عملی و یا جزئی تقدیم کند، این در حالی است که تحکیم و تقویت احترام به قانون بشر دوستانه توسط همه اطراف مخاصمات مسلحانه نیازی مبرم است. آنچه امروزه به آن نیازمندیم، سیستم حقوقی کاملی است که بتواند نیازهای قربانیان این مخاصمات را برآورده سازد.

یکی از موضوعات مهم مرتبط با اجرای قانون بشر دوستانه، جبران خسارت قربانیان نقض این قانون است. جبران خسارت، مسأله‌ای اساسی برای قربانیان است تا جهت غلبه بر مشکلات بزرگ ناشی از تجارب غم‌انگیز و تجدید بنای زندگی‌شان، به آنان کمک کند.

جبران خسارت می‌بایست متناسب با اوضاع زندگی قربانیان و مطابق با نیازهای آنها باشد. البته مقصود از جبران خسارت، تنها موارد مالی نیست، بلکه صورت‌های دیگری همچون اعاده حق، اعاده حیثیت، تحصیل رضایت طرف و ضمانت عدم تکرار تجاوزات را نیز در بر می‌گیرد.

حمایت از محیط زیست سومین زمینه موجب نگرانی را تشکیل می‌دهد که می‌بایست قانون بشردوستانه را در این زمینه تقویت نمود. ضررهای بزرگ که در بسیاری از مخاصمات مسلحانه به محیط زیست وارد شده، در ناتوانی هر چه بیشتر مردم رنج کشیده از جنگ نقش داشته است. محیط زیست به خودی خود از ارزش بالایی برخوردار است. مردم نیز برای کسب روزی و تأمین آسایش و رفاه خود به آن متکی هستند و نقشی قاطع در تضمین زندگی و بقای نسل‌های کنونی و آینده ایفا می‌کند. اما قوانینی که از محیط زیست در زمان جنگ حمایت می‌کنند، همیشه شفاف و پیشرفته نیستند. به عنوان مثال، قانون معاهدات جهت حمایت از محیط زیست و حفاظت از آن در زمان اقدامات تجاوزگرانه در چهارچوب مخاصمات مسلحانه غیر دولتی، شرط خاصی را ذکر نکرده است.

البته درست است که قانون حکومت نظامی دارای موادی است که به این موضوع مربوط می‌شود، مثل لزوم عدم حمله به محیط زیست در صورت عدم وجود هدف نظامی در آن و یا ممنوعیت حملاتی که می‌تواند موجب ورود زیان‌های اتفاقی ناپه‌نچار به محیط شود، ولی بهینه‌سازی حمایت از محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه، نیازمند تدوین قوانینی مفصل است که کامل‌تر و خارج از چهارچوب تعیین شده در این مقررات قانون نظامی و احکام و قواعد مترتب بر آن است.

در این حوزه ضرورت مبرم دیگری برای ایجاد ابزاری پیشرفته‌تر جهت جلوگیری از عواقب زیان‌بار کوتاه مدت و بلندمدتی که به محیط زیست وارد می‌شود، وجود دارد. آثار زیان‌بار ایستگاه‌های برق، تأسیسات شیمیایی و دیگر مراکز صنعتی و سازمان‌های خدمات پزشکی و فاضلاب، و حتی صرف خرابی‌های ناشی از این آثار زیان‌بار همگی می‌توانند منجر به آلودگی خطرناک منابع آب‌های زیرزمینی و زمین‌های حاصلخیز و هوا شوند؛ امری که بر زندگی همه ساکنان زمین تأثیر می‌گذارد. از این رو به‌جا است سیستم جدیدی برای تضمین پاک‌سازی مناطق زیان‌بار با سرعت و جدیت راه‌اندازی شود که متضمن ایجاد سازمان‌های همکاری بین‌المللی باشد.

همچنین می‌بایست کارهای پیش‌گیرانه در این زمینه گسترش یابد، همچون امکان تعیین مناطق مهم از نظر محیط زیست، به عنوان مناطق عاری از سلاح، پیش از شروع جنگ یا حداقل در ابتدای آن. این مناطق ممکن است شامل فضاهایی باشد که دربردارنده نظم اکولوژیک منحصر به

فرد یا گونه‌های در معرض انقراض باشند.

حوزه چهارمی که می‌بایست قانون بشر دوستانه را در آن تقویت کرد، موضوع حمایت از جنگ‌زدگان و مهاجران جنگی داخلی است. اعطای حمایت مناسب به مهاجران جنگی، از جمله مأموریت‌های سخت در تلاش‌های بشر دوستانه به شمار می‌رود، که تجربه‌های طولانی مدت کمیته بین‌المللی در این زمینه این واقعیت را تأیید می‌کند، ولی با این حال از نظر قانونی در این زمینه با کمبود مواجه هستیم. البته استفاده از اصول توجیهی در خصوص آوارگی داخلی در سال ۱۹۹۸، گامی بلند در جهت تقویت قانون بین‌المللی حمایت از آوارگان داخلی بود. تدوین برخی از اصول این سند بین‌المللی و به روز کردن آن، کمک شایانی را به تحکیم و تقویت آثار آن خواهد کرد. آوارگان داخلی (که منازل و زمین‌های خود را ترک کرده‌اند) گاهی نیازمند ابزار کسب درآمد هستند، و چه بسا بی‌دفاع هستند یا در مناطق غیر امن زندگی می‌کنند. گاهی نیز به دلیل به کارگیری اجباری آنان در جنگ، قربانی می‌شوند و یا آن‌که مورد تجاوز جنسی و یا حتی کشتار قرار می‌گیرند. گاهی نیز مجبور به جدایی از خانواده‌های خود می‌شوند.

کسانی که بدون همراه داشتن اسناد هویتی اقدام به فرار کرده‌اند، با مشکلات و دشواری‌هایی در دستیابی به خدمات اجتماعی و یا امکان مسافرت و رفت و آمد آزادانه در داخل کشور، روبرو شوند. از این رو می‌بایست جهت تأمین برخی نیازمندی‌ها (همچون حفاظت از یکپارچگی خانواده و امکان دستیابی آوارگان داخلی به اسناد هویتی جهت استیفای حقوق خود) قوانین مورد نیاز وضع شود.

در صورت طولانی شدن مدت زمان آوارگی و عدم امکان بازگشت مهاجران جنگی به منازل و محل سکونت عادی خود، ضروری است که مشکل به صورت جدی و حساس درک، و برای آن حل دائمی تدبیر شود، چرا که ممکن است دارایی‌های آنان از بین رفته یا از سوی دیگران مورد تصرف قرار گرفته باشد. و یا آن‌که زمین‌های آنان به دلیل عملیات نظامی غیر قابل کشت شده باشد. همچنین ممکن است در صورت بازگشت به مناطق خود، با اقدامات انتقام‌جویانه دیگران مواجه شوند. نیز ممکن است به دلیل پیوند ایجاد شده با جامعه‌ی جدیدی که به آن پناهنده شده‌اند، در

صورت بازگشت با مشکلات بسیاری مواجه شوند.

قوانین موجود از حل موارد ذکر شده، عاجز است. از این رو لازم است که قانون بشر دوستانه اقداماتی را در نظر بگیرد که طی آن امکان بازگشت آوارگان جنگی به مناطق و منازل مسکونی شان با شرایط رضایت‌بخش فراهم شود.

تحقیق ارائه شده از سوی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تنها گامی است از میان چندین تلاش دیگر که تا زمان ارائه راهکارهای عملی و کارآمد باید نسبت به آنها پایبند بود. کمیته نیز نظر به ماهیت، وظایف و مأموریت‌های خویش، همه اقدامات لازم را در جهت به نتیجه رساندن این تحقیق انجام خواهد داد. در عین حال به خوبی می‌داند که این‌گونه اقدامات بدون همکاری و پشتیبانی بیشتر محقق نخواهد شد. در نتیجه تنها کشورها هستند که قادر به تکمیل و تحول بخشی به قانون بین‌المللی خواهند شد.

همچنین کمیته آمادگی خود را جهت مذاکره با دولت‌ها و اطراف ذی‌صلاح دیگر در خصوص نتایج تحقیق و هرگونه پیگیری احتمالی دیگر، اعلام می‌دارد.

ما نیز از هرگونه نظر و پیشنهاد در مورد این اقدام (چه در مورد محتوا و چه در خصوص اقدامات) استقبال می‌کنیم و توجه ویژه‌ای داریم به شناخت مقدار موافقت مراکز دیگر در مورد نگاه ما به مشکلات فاجعه‌آمیز انسانی پیش رو و چالش‌هایی که در قانون بشر دوستانه ایجاد می‌کند.

کمیته بین‌المللی با هدف تقویت گفت‌وگو، به دنبال برگزاری مذاکرات دوگانه با مجموعه‌ای از کشورها در ماه‌های آینده است و آمادگی خود را برای برگزاری مذاکرات با هر دولتی که خواهان آن باشد، اعلام می‌دارد. با استناد به مذاکرات، در خصوص امکان طرح اقداماتی که باعث تقویت قوانین لازم‌الاجرا در مخاصمات مسلحانه و چگونگی اجرای آنها خواهند شد، تصمیم‌گیری خواهد کرد و دولت‌های مورد نظر را از نتایج آن آگاه خواهد ساخت.

برگزاری کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر، در ماه نوامبر آینده گامی مهم در این زمینه خواهد بود.

ممکن است به نظر رسد که تلاش‌های ما در رسیدن به اهداف، بلند پروازانه باشد، و این به دلیل

موانع حقیقتاً فراوانی است که پیش رو داریم. حال، با این زیان‌ها و مشکلاتی که مخاصمات مسلحانه به بار می‌آورند، تلاش ما را دو چندان می‌کند. در غیر این صورت چگونه می‌توان امکان حمایت قانون بشردوستانه را برای از مردمی که بار سنگین ناشی از آسیب‌های ناشی از مخاصمات مسلحانه را بر دوش دارند، تضمین نمود؟! تجارب گذشته ما را قانع می‌کند که در صورت وجود اراده سیاسی می‌توان موانع پیش روی را رفع نمود. کمیته بین‌المللی امیدوار است، کشورهای مختلف جهت تأمین نیازهای قربانیان مخاصمات مسلحانه، به وحدت عمل دست یابند.^۱

بنابراین، این چالش‌ها، فی‌الجمله چالش‌ها و مشکلات اخلاقی است و در نتیجه، جز از طریق تعهد دینی و اخلاقی، تربیت روحی، احساس درونی و درک نظارت الهی بر اعمال انسان، هر اندازه که مخفی باشند، قابل حل نیست: «يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ»^۲.

این همان چیزی است که در اسلام از آن به تقوا و ترس درونی از خداوند تعبیر می‌شود. این حالت، مرتبه احسان است؛ مرتبه ای که پس از اسلام و ایمان در آدمی ایجاد می‌شود. در نقلی از عمر بن خطاب از پیامبر اسلام می‌خوانیم که از جبرئیل در خصوص احسان سؤال کرد، فرمود: «احسان آن است که به گونه ای خداوند را عبادت کنی، که گویا او را می‌بینی، پس اگر او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند»^۳.

یا چنان که خاندان پاک پیامبر و یاران پارسای ایشان همواره به احکام دین ملتزم بوده‌اند. چه در جنگ و چه در صلح، و در حقوق و تعهدات؛ آنچه به سود آنها بود و آنچه علیه‌شان بود. ایشان حتی با دشمنان خود نه تنها با عدالت که علاوه بر عدالت با احسان رفتار می‌کردند. همان‌گونه که خداوند به

۱. پایگاه رسمی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، و سخنان رئیس آن در همان پایگاه، ICRC، این سخنرانی همه تحقیق را در برداشت.

۲. سوره لقمان / آیه ۱۶.

۳. صحیح بخاری، حدیث ۴۷۷۷، مسلم، حدیث ۹.

آنان فرمان داده: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»^۱.

پیامبر اسلام در تمام احوال، چه جنگ و چه صلح، الگوی مهربانی بود. با آن دسته از اهل مکه که او را آزار داده، با شکنجه برخی یاران ایشان را شهید کرده، ایشان و خاندان و یارانش را از آنجا بیرون کردند، نیز چه کارها که در غزوه احد و احزاب بر ضد ایشان نکردند حتی عمومی بزرگوارشان، حضرت حمزه را به شهادت رساندند و او را مثله کردند. با همه این احوال پس از پیروزی بر آنان و فتح مکه، از آنان درگذشت و فرمود:

«أذهبوا فانتم الطلقاء؛ بروید، همانا شما آزادید»

و در روز فتح مکه در جواب کسانی که گفتند: امروز روز خون ریزی است، فرمود:

«الیوم یوم المرحمة؛ امروز روز مهربانی است».

نیز این آیه را تلاوت فرمود: «قَالَ لَا تَتْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»^۲ و آیه «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِن صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ»^۳ نازل شد و پیامبر گذشت و شکیبایی را انتخاب کرد و فرمود: «صبر می کنیم و مجازات نمی کنیم»^۴.

دوم: اسس: جمع اساس است و به پایه‌ای گفته می شود که بنا بر روی آن ساخته می شود. اصل

هر چیز و مبداء آن را گویند. اساس اندیشه و اساس بحث از آن گرفته شده است.^۵

سوم: مبادی: جمع مبداء است و مبداء هر چیزی ماده اولیه ای است که شیء از آن وجود ترکیب

می یابد. مبادی علم، فن، دستور و یا قانون به قواعد اساسی گفته می شود که بر آن بنا نهاده شده و

۱. سوره نحل / آیه ۹۰.

۲. سوره یوسف / آیه ۹۲.

۳. سوره نحل / آیه ۱۲۶.

۴. مسند احمد ۵/۱۳۵، ترمذی، جامع السنن ۲/۳۵۹، حاکم، مستدرک ۴/۳۶۱ و آن را صحیح السنن می داند و ذهبی نیز با وی هم نظر است.

۵. القاموس المحيط، لسان العرب والمعجم الوسيط، ماده اسس.

از آن خارج نمی‌شوند.^۱

مقصود از مبادی اسلام و پایه‌های آن، قواعد اساسی است که اسلام بر پایه آنها بنا نهاده شده و اهداف و مقاصد کلی است که دین برای تحقق بخشیدن آنها نازل شده است، که عبارتند از حمایت از کلیات پنج‌گانه، یا شش‌گانه یا هشت‌گانه و توسعه آنها.^۲

چهارم: روابط بین‌الملل: مقصود از آن اصولی است که بر روابط میان دولت‌های مختلف از نظر دین، یا نژاد یا منطقه جغرافیایی در حالت جنگ و صلح حاکم است.

و به صورت مختصر در مورد روابط بشر دوستانه در سایه قانون بین‌المللی بشر دوستانه که به دنبال محدود کردن آثار ناشی از جنگ و دور داشتن غیرنظامیان از آنها است، نیز بحث می‌کنیم.

اسلام و روابط بین‌الملل: (شمه‌ای از سیره پیامبر)

دین اسلام برای تنظیم روابط انسان با پروردگارش و با انسان‌های دیگر، چه مسلمان چه غیر مسلمان و نیز با جهان پیرامونش نازل شده و برای این منظور راهی پویا، اصولی فراگیر و قواعدی کلی که به دلیل قابلیت تحول و به روز شدن در عین حفظ اصالت و پایه‌های بنیادین متناسب با هر زمان و مکانی هستند، وضع کرده است.

در دوران مکی دولتی وجود نداشت و روابط شخصی بود. پیامبر اکرم همگان را به پذیرش دین خدا و هدایت شدن به راه راست، توحید، انسان‌سازی بر اساس عقیده درست و تربیت صحیح که شامل همه جوانب روحی و جسمی و اجتماعی و... انسان بود، دعوت می‌فرمود.

پیامبر و یاران بزرگوار ایشان، در راه تبلیغ دعوت حق، بسیاری از آزار و اذیت‌های روحی و

۱. همان، ماده بدأ.

۲. همه علما بر این باورند که کلیات پنج‌گانه عبارتند از: دین، جان، عقل، مال و نسل و برخی نیز آبرو را اضافه کرده‌اند. بر اساس معیارهای دقیق دو اصل دیگر نیز اضافه شد که عبارتند از: امنیت اجتماعی و امنیت حکومت صالح.

جسمی را تحمل کردند و شعارشان این بود: «از جنگ باز ایستید و نماز را به پا دارید»^۱. و برای مشرکان که آزارشان می کردند، دعا می کردند: «اللهم اهد قومی انهم لا یعلمون؛ بارالها! قوم من را هدایت فرما، چرا که آنان از حقیقت بی خبرند».

پیامبر زمانی که به مدینه منوره هجرت کرد و تأسیس حکومت اول اسلامی، ایشان بر تقویت جامعه دینی و جبهه داخلی از دو جهت همت گماشتند:

الف) از جنبه خاص مسلمانان نسبت به ایجاد وحدت در پیوندهای برادری حقیقی میان آنان از طریق عقد پیمان برادری میان مهاجران با یکدیگر و سپس میان مهاجران و انصار اقدام فرمود؛ به گونه‌ای که انصار برادران مهاجرشان را در همه اموال، نخلستان‌ها و محصولات خویش شریک کردند.^۲

ب) از جهت عمومی اقدام به تنظیم پیمانی به عنوان قانون اساسی مدینه نموده که در آن وضعیت همه شهروندان مدینه، اعم از مسلمانان، یهودیان و غیره را مشخص می‌کرد، روابط آنان را بر اساس مساوات حقوق، وظایف و وضعیت دفاع از مدینه و غیره را به عنوان حقوق شهروندی مشخص نمود.^۳

رابطه میان دولت نوپای اسلامی و قریش قبایل اطراف، رابطه جنگی از طرف آنها نسبت به حکومت بود. پیامبر نیز از موضع دفاع از اسلام و حکومت آن، همراه با تلاش جهت تبلیغ و ایجاد صلح با آنان، عمل می‌کرد، ولی آنها نسبت به پیمان‌ها و توافق نامه‌های خود پایبند نبودند. ایشان درباره حکومت‌های پیرامون جزیره‌العرب نیز با ارسال نامه‌هایی به حاکمان شان، آنها را به اسلام دعوت کرد که در صورت ایمان آوردن و با ایجاد اصلاحات و اجرای عدالت مورد نظر اسلام، بر مسند حکومت باقی می‌مانند.

۱. سوره نساء / آیه ۷۷.

۲. ضیاء العمری، السیره النبویة الصحیحة، چاپ قطر، ۱/۲۴۰.

۳. همان ۲۸۹ - ۱/۲۷۳.

می‌توان روابط بین‌الملل در حالت صلح و جنگ را در آیات سه‌گانه زیر از سوره ممتحنه خلاصه نمود: «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» * لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ * إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ)!

آیه اول بیانگر آن است که اسلام همواره بر از بین بردن دشمنی‌ها و ایجاد دوستی با هر وسیله ممکن نظر دارد و آیه سوم بیانگر رابطه مسلمانان با دیگران در حالت صلح و عدم تجاوز است که بر پایه نیکی و احسان و عدالت و میزان استوار است. اما آیه دوم، بیانگر رابطه مسلمانان با غیرمسلمانان در حالت جنگ و دشمنی است و بر اتحاد مسلمانان و وفاداری آنها به خدا و مؤمنان در سختی‌ها و پیروزی‌ها بنا نهاده شده و می‌خواهد از یاری کافران جنگی دست بردارند. با این حال، احکام دین مبین اسلام حتی در حالت جنگ بر اساس عدالت و انصاف است.

مطلب مهم در این آیه آن است که در سوره ای آمده که ابتدای آن با ذکر اعمال دشمنان خدا علیه مسلمانان شروع می‌شود و مسلمانان قصد مقابله به مثل ندارند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»^۲ سپس می‌فرماید: «إِنْ يَتَّقَوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ»^۳ و با همه این احوال، خداوند بزرگ بر عدالت و ترک ستم تأکید می‌کند و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا

۱. سوره ممتحنه / آیات ۷ و ۸ و ۹ و نیز مراجعه به تفسیر کبیر رازی، چاپ احیاء التراث الاسلامی، ۲۹/۳۰۳.

۲. سوره ممتحنه / آیه ۱.

۳. سوره ممتحنه / آیه ۲.

شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ
وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا
وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»^۱.

مهم‌تر آن که سوره ممتحنه پس از سوره برائت نازل شده است؛ امری که نسخ آیات آن را به طور کلی بعید می‌کند. این سوره عدم رعایت پیمان نامه‌ها از سوی مشرکان و خیانت آنان به خدا و مؤمنان را تبیین کرده، ولی با تمام این احوال بر رفتار عادلانه مسلمانان با دیگران بر اساس عدالت و نیکی و احسان تأکید می‌کند؛ البته تا زمانی که علیه مسلمانان اقدام به ظلم و راندن آنان از شهر و قتل و ترور نکرده‌اند.

در نتیجه قاعده کلیدی اسلام در روابط بین‌المللی، انحصار قطع رابطه و خصومت، به حالت‌های تجاوز و دشمنی است. و در غیر این موارد، رابطه بر اساس نیکی و احسان است؛ چرا که اسلام هیچ علاقه‌ای به دشمنی و خصومت با دیگران ندارد حتی در حالت جنگ، با رفتار خوب و همراه با عدالت، دل‌های افراد را به دست می‌آورد و به انتظار روزی خواهد بود که همه دل‌ها و جان‌ها بر خوان محبت و اسلام جمع شوند.

سید قطب می‌نویسد:

این قاعده در خصوص رفتار با غیر مسلمانان، عادلانه‌ترین قاعده‌ای است که با طبیعت این دین و دیدگاه آن نسبت به زندگی بشری، بلکه نسبت به همه جهان هم‌خوانی دارد. جهانی که از خدای یکتا به وجود آمده و به سوی خدا یکتا پیش می‌رود. جهانی که در پس همه اختلافات و تنوع‌ها، در مسیر ازلی خود همراه و همگام است. این قاعده پایه شریعت بین‌المللی اسلام است. قاعده‌ای که رفتار میان مسلمانان و دیگران را در همه احوال ثابت می‌داند. چیزی جز تجاوز جنگی و ضرورت دفاع و یا ترس از خیانت پس از معاهده که تهدید به تجاوز است و یا جلوگیری خصمانه در برابر

۱. سوره مائده / آیه ۲.

آزادی عقیده و تبلیغ (که نوعی تجاوز قلمداد می‌شود) آن را تغییر نمی‌دهد. در غیر این موارد قانون اساسی اسلام، صلح، مودت، نیکی و عدالت با همه مردم است.

این قاعده بر اساس تصویر دست از اسلام است که مسأله اصلی میان مسلمانان و غیر مسلمانان را «عقیده و باور» می‌داند، نه چیز دیگری. ارزشی که مسلمانان برای آن می‌جنگند و در راه آن کشته می‌شوند، عقیده خواهد بود. پس تنها دلیل جنگ و پیکار مسلمانان با دیگران، آزادی عقیده و آزادی تبلیغ و نیز تحقق دین خداوند در زمین و برپایی آن خواهد بود.

این توجیه با جهت‌گیری کل سوره (یعنی روشن کردن ارزش عقیده، تعیین آن به عنوان پرچمی که مسلمانان زیر آن زندگی می‌کنند) همخوانی دارد. هر کس که با مسلمانان همراهی کند، از آنان خواهد بود. هر کس با آنان بجنگد، دشمن آنهاست. کسی که با آنان صلح کند و به عقیده و تبلیغشان کاری نداشته باشد و مردم را از آن دور نکند و از گوش دادن مردم به عقاید و تبلیغات مسلمانان جلوگیری نکند و میان مسلمانان فتنه نیندازد، از نظر اسلامی انسانی مسالمت جو است و رفتار با او بر اساس نیکی و عدالت خواهد بود.

مسلمان برای عقیده خود زندگی می‌کند و آن را به عنوان یک مسأله اساسی میان خود و اطرافیان به حساب می‌آورد. پس هیچ خصومتی بر اساس مصالح و منافع و هیچ جهادی بر اساس تعصبات (هر نوع تعصب، چه جنسی و چه وطنی و چه قبیله یا دودمان) انجام نمی‌گیرد. جهاد تنها برای اعتلای کلمه الهی و به جریان انداختن عقاید به عنوان راه روشن و اجرای آن در زندگی، اقامه می‌گردد!

پس اسلام به دنبال کاربرد سلاح برای تحمیل عقیده خود با قدرت و اکراه نیست. چون خداوند می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»؛ در قبول دین اکراهی نیست^۲. همچنین نظریه استیلا و چیرگی، از

۱. فی ضلال القرآن، سیدقطب، چاپ دار الشرق، قاهره، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۳۵۴۵ - ۳۵۴۴.

۲. سوره بقره / آیه ۲۵۶. [تحت کفالت]

نظر اسلام نظریه مردودی است، خداوند می فرماید: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۱. از این رو جنگ در اسلام برای دفاع از عدالت و رفع ستم است؛ چون قرآن می فرماید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» نیز دفاع از ستم دیدگان، هدف جهاد معرفی شده است. خداوند می فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا»^۲.

اولین دولت اسلامی در مدینه منوره بر اساس برادری میان مسلمانان مهاجر و انصار، امت واحدہ جدای از دیگران بودن، یک پیکر بودن، متحد بودن در برابر دشمنان و نیز بر پایه عدالت، شهروندی حقوق و وظایف متقابل با غیر مسلمانان تشکیل شد. پیمان نامه ای میان پیامبر مکرم اسلام و یهودیان نوشته شد که دارای حدود ۴۷ بند بود، از جمله:

۱. پناه خدا برای همگان یکسان است و فرودست ترین مسلمانان، می تواند کافران را پناه دهد و مؤمنان در برابر دیگران یاور یکدیگرند.
۲. هر کس از یهود از ما پیروی کند، بی هیچ ستم و تبعیض، از یاری و برابری برخوردار خواهد شد.
۳. صلح همه مؤمنان یکی است و به هنگام پیکار در راه خدا هیچ مؤمنی نباید جدا از مؤمن دیگر و جز بر پایه برابری و دادگری [مرسوم] در میان مؤمنان، با دشمن از در و صلح در آید.
۴. پیگارگرانی که همراه ما نبرد می کنند، باید به نوبت به پیکار بپردازند.
۵. هرگاه شما مسلمانان در کاری گرفتار اختلاف شدید، داوری ان را به خدا و محمد بازگردانید.
۶. زمانی که مؤمنان با مشرکان در پیکارند، یهود باید در پرداخت هزینه های جنگ با مؤمنان

۱. سوره قصص / آیه ۸۳.

۲. سوره نساء / آیه ۷۵.

همراهی کنند.

۷. در پیکار با دشمنان، هزینه یهود بر عهده خود آنان و هزینه مسلمانان بر عهده خود ایشان خواهد بود؛ و بر هر دو گروه است که در برابر کسی که با شرکت کنندگان در این پیمان نامه به ستیز برخیزد، با همیاری یکدیگر و پیکار کنند. نیز باید راستی و نیکخواهی و نیکی، بی هیچ پیمان شکنی میان ایشان استوار باشد.

۸. هیچ مردی نباید نسبت به هم پیمان خویش، پیمان شکنی کند، و یاری از آن ستمدیده است.

۹. به هیچ یک از افراد خانواده [تحت کفالت] بی اجازه خانواده او، نباید پناه داد.

۱۰. هرگاه میان متعهدان به این پیمان نامه، قتل یا رویداد ناگوار و یا ناسازگاری که خطر تباهی به همراه داشته باشد، روی دهد، بی گمان برای رهایی از آن، باید به خدا و پیامبر او محمد روی آورند؛ [مشیت] خداوند بر نگه‌داشت و پذیرش این نوشته است.

۱۱. هم پیمانان باید علیه کسی که به شهر یثرب بتازد، به یاری هم بشتابند.

۱۲. هرگاه هم پیمانان مؤمنان، به صلحی فرا خوانده شوند که مؤمنان در آن شرکت جستند، باید در آن شرکت جویند؛ و هرگاه هم پیمانان مؤمنان، ایشان را به صلحی فرا خوانند، بر مؤمنان است که بدان تن در دهند، مگر صلح و آشتی با کسی که با دین در پیکار است.

۱۳. هزینه هر گروه [یا هزینه رزمی هر گروه] بر عهده خود آن گروه است.

۱۴. یهود اوس، خود و وابستگانشان، با نیکی محض و استواری بر این پیمان نامه، همان پیمانی را پذیرفته‌اند که دارندگان این پیمان نامه، بر آن گردن نهاده‌اند. پایداری بر پیمان، آسان‌تر از پیمان شکنی است. این پیمان شکن است که خود زبان پیمان شکنی را خواهد دید. خداوند گواه راستینی بر این پیمان نامه است و آن را می‌پذیرد.

۱۵. این نوشته، مانع هیچ ستمگر یا پیمان شکنی از کیفر نیست، و هر کس از مدینه بیرون رود و

هر که در مدینه بماند در امان خواهد بود؛ مگر کسی که ستم کند و پیمان بشکند.

خدا و پیامبرش محمد پناه‌گاه پرهیزگاران و استواران بر پیمانند^۱.

این پیمان نامه به روشنی بر آزادی دینی تأکید می‌کند و تصریح می‌نماید که دین مسلمانان از آن مسلمانان و دین یهودیان از آن یهودیان است حتی در مواردی که برخی از انصار سعی داشتند خویشاوندان خود را که پس از اسلام آوردن به دین یهود بازگشته بودند، مجبور به بازگشت به اسلام نمایند، خداوند متعال این آیه را نازل کرد: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرِّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»؛ به درستی که در قبول دین هیچ اکراهی نیست. همانا راه درست از بیراهه آشکار شده است^۲.

یکی از مواد پیمان نامه بر این تأکید دارد که: دین یهود از آن یهودیان است و دین مسلمانان از آن مسلمانان است خود و وابستگانشان، مگر کسی که با پیمان شکنی به خود ستم کند و راه گناه را در پیش گیرد، که چنین کسی جز خود را تباه نخواهد ساخت...^۳ همچنین پیمان نامه بر مسئولیت شخصی افراد تأکید می‌کند و بر کلام الهی صحه می‌گذارد، که فرمود: «ولا تزر وازرة وزر أخرى»؛ هیچ گناهکاری، بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد^۴.

ولی یهودیان به این پیمان نامه و محتوای آن پایبند نبوده و عهد خود را با رسول خدا را شکستند. چه مصائبی به سبب ظلم و پیمان شکنی‌شان بر آنان نازل شد.

اما قبایل و در رأس آنها قبیله قریش و پیروان ادیان دیگر که پیرامون دولت اسلامی زندگی می‌کردند، وجود این دولت را نپذیرفتند با تمام وسائل به دشمنی با آن پرداختند و تمام تلاش خود را برای از بین بردن و ساقط کردن آن به کار بستند. از این رو رابطه میان آنها و حکومت اسلامی رابطه حُسن همجواری و همکاری نبود، بلکه رابطه مخاصمه، جنگ و دشمنی بود. اسلام توانست پیروان

۱. استاد محمد حمید الله، مجموعه الوثائق السياسية، چاپ دار الارشاد بیروت، ۱۳۸۹ هـ ق ص ۴۱ - ۴۷، اکرم

العمری، السيرة النبوية الصحيحة، چاپ مركز البحوث السنه والسیره، قطر، ص ۲۸۵ - ۲۸۲.

۲. سوره بقره / آیه ۲۵۶.

۳. همان.

۴. سوره انعام / آیه ۱۶۴.

خود را بر اساس عدالت و برابری تربیت نماید.

پس دفاع این دولت عقیدتی از خود، امری طبیعی بود. از این رو در اولین آیه ای که جهت تشریح جهاد نازل شد، این روحیه دفاعی را ملاحظه می‌کنیم: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»^۱.

آیه دوم بیانگر این است که مجوز جهاد و جنگ، مظلوم واقع شدن و رانده شدن مسلمانان از وطن شان است. در نتیجه، پیکار مسلمانان دفاع از خود و دفع ستم و دفاع از عقیده و اماکن عبادت حتی برای غیر مسلمانان است. خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتَّتْ صَوَامِعُ وَبِيعُ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»^۲.

از این رو، جنگ از دیدگاه اسلام ضرورتی است که تنها در مواردی می‌باشد که راه‌های دیگر به بن بست می‌رسند و امکان تبلیغ و قبول اسلام یا به رسمیت شناختن دولت اسلامی از طریق پرداخت جزیه، کاربرد پیدا می‌کند.

جزیه به عنوان مشارکت مالی غیر مسلمانان در تأمین مخارج امنیت و شهروندی است، همان‌گونه که مسلمانان با دادن زکات و دیگر موارد مالی، بسیار بیشتر از غیر مسلمانان در تأمین مخارج مشارکت دارند. از این رو مسلمانان هیچ‌گاه شروع‌کننده علیه دیگران جنگ نیستند، بلکه ابتدا طرف مقابل را به اسلام دعوت می‌کنند. در صورت قبول، هدف محقق شده است و در غیر این صورت می‌بایست جزیه پرداخت نمایند و با صلح و دوستی رابطه ادامه پیدا کند.

صلح حدیبیه نشان‌دهنده این روحیه صلح‌طلبی خود را به خوبی نشان می‌دهد، آن‌گاه که پیامبر با مجموعه‌ای از شرایط ظالمانه و تحمیلی موافقت نمود و با این وجود فرمود:

۱. سوره حج / آیه ۳۹.

۲. سوره حج / آیه ۴۰.

«به خدا قسم! قریش مرا به برنامه‌ای که در آن از من درخواست به صلح کند، نمی‌خوانند مگر آن که در اختیارشان قرار دهم [و موافقت کنم].^۱»

قرآن مجید در آیات متعددی بر این روش تأکید کرده است: خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ جَاحُوا لِلْسَّلَامِ فَأَجْزَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».^۲

از نظر فقهی نیز جمهور فقها (حنفی‌ها و مالکی‌ها و شافعی‌ها در قولی و حنبلی‌ها) بر وجوب تبلیغ و دعوت به اسلام پیش از آغاز جنگ تأکید کرده و به این کلام الهی: «ما کُنَّا مَعْدِيْنَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا» استدلال کرده‌اند.

روش پیامبر اسلام و توصیه ایشان به اصحاب بزرگوار خود در مأموریت‌های مخوله حتی در صورت رویارویی با مشرکان نیز بدین صورت بود. ایشان همواره بر این نکته تأکید می‌فرمود که: «... هرگاه با دشمنان مشرک خود، رو به رو شدید، آنان را به سه ویژگی یا گزینه دعوت نمایید. هر کدام را که اجابت کردند، از آنان قبول کن و رهایشان ساز، سپس آنان را به اسلام دعوت کن.»^۳ ابن عباس به عنوان مفسر قرآن و دانشمند امت این مسأله را به صورت انحصار ذکر کرده و شیوه پیامبر را منحصر به این روش دانسته است که: «پیامبر هرگز به جنگ با قومی نپرداخت مگر آنکه آنان را به اسلام دعوت نموده».^۴ در مورد حمله پیامبر به قبیله بنی‌المصطلق این گونه جواب داده شده که آنان اقدام به تجمع قوا برای حمله به مدینه منوره کرده، با این کار جنگ را شروع نمودند،^۵ در عین حال پیش از آن نیز به اسلام دعوت شده بودند.

۱. بخاری و فتح الباری ۵/۳۲۹.

۲. سوره انفال / آیه ۶۱.

۳. صحیح مسلم، کتاب الجهاد ۱۳۵۶/۳؛ سیره ابن هاشم ۲۲۸/۳.

۴. مسند احمد ۲۳۱/۱؛ السنن الکبریٰ ۱۰۷/۹.

۵. صحیح مسلم، کتاب الجهاد ۱۳۵۶/۳؛ سیره ابن هاشم ۲۲۸/۳.

بنیادهای فکری اسلامی تقویت‌کننده همزیستی مسالمت‌آمیز

اولاً - انسانیت

اسلام کرامت انسان را به عنوان یک انسان بدون در نظر گرفتن اندیشه و باورهای او به رسمیت شناخته و خداوند می‌فرماید: «و لقد کرّمنا بنی آدم»^۱ خدا آدمی را به عنوان جانشین خود روی زمین قرار داده و به او اختیار و اراده ارزانی داشته: «روی زمین جانشین قرار خواهم داد»^۲ در جواب فرشتگان که از حکمت این کار سوال کردند، برای آن‌ها اثبات کرد که انسان در زمینه جانشینی و آبادانی، از آنان آگاه‌تر است.

همچنین خداوند با آزادی در عرصه عقیده انسان را ارج نهاد و فرمود: «لا اکراه فی الدین» یعنی در دین هیچ اکراهی وجود ندارد^۳ و او را از بندگی غیر خدا آزاد کرد، نیز آزادی بردگان، ممنوعیت مثله کردن و شکنجه و حتی ترساندن و به وحشت انداختن را تقویت نمود و برای انسان و ویژگی‌ها، حقوق و داری‌ها او حرمت و مصونیت بزرگی را مقرر داشت و همه مردم را با یکدیگر برابر دانست مگر در کارهای نیک و فرمود: «قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ أَعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَهُوَ رَبُّكُمْ كُلُّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ»^۴ و مسئولیت کارهای هر انسان را بر عهده او گذاشته و فرمود: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ»^۵ و نیز می‌فرماید: «قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ أَعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَهُوَ رَبُّكُمْ كُلُّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ»^۶.

۱. سوره اسراء، آیه ۷۰.

۲. سوره بقره/۳۰.

۳. بقره/۲۵۶.

۴. سوره انعام/ آیه ۱۶۴.

۵. سوره نجم/ آیه ۳۹.

۶. سوره انعام/ آیه ۱۶۴.

اسلام مجموعه‌ای از حوزه‌های ارتباط و همبستگی را به رسمیت شناخته، هر چند که همبستگی عقیدتی و برادری ایمانی را اساس قرار داده است؛ چون می‌خواهد از طریق گسترش این حوزه‌های ارتباطی زمینه‌های مشترک برای نزدیکی، همزیستی، همکاری و دعوت به وجود آورد. این حوزه‌ها عبارتند از:

۱. حوزه انسانی، چرا که همه از آدم و حوا هستند، از این رو خطاب‌های قرآنی با «یا ایها الناس» می‌آید.
۲. حوزه قومیتی و نژادی که قرآن تعبیر می‌کند: «أحدهم صالح؛ یکی از آنها شایسته است.»
۳. حوزه اهل کتاب (سوره مریم)
۴. حوزه حق جویان: «انا أو إياکم؛ من یا شما بر راه راستیم.»

ثانیاً - وحدت ادیان

اسلام همه ادیان آسمانی را به یک اصل واحد که «وحي الہی» است، و این که همه ادیان الہی از یک منبع نور سرچشمه گرفته‌اند، باز می‌گرداند. از این رو پیروان خود را به ایمان به همه پیامبران گذشته و کتاب‌های آسمانی که در گذشته نازل شده‌اند، دعوت می‌کند. خداوند می‌فرماید: «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»^۱ و نیز می‌فرماید: «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»^۲.

خداوند بیان این مطلب می‌پردازد که همه شرایع اصلی را که برای پیامبران گذشته تشریح کرده، برای این امت نیز تشریح می‌کند و می‌فرماید: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا

۱. سوره بقره/۲۸۵.

۲. سوره بقره/۱۳۶.

إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ^۱ و تفرقه افکنان در دین را نکوهش کرده و می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا أَلَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»^۲.

قرآن کریم پیروان خویش را به پیروی از سنت‌های پیامبران دعوت کرده و خداوند می فرماید: «وَأُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمُ اقْتَدِهْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْعَالَمِينَ»^۳ و فراتر از آن، واژه اسلام به عنوان نام مشترک همه ادیان قرار داده و از زبان بیشتر پیامبران آن را نقل می کند. در مورد ابراهیم می فرماید: «إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ»^۴ در خصوص یعقوب می فرماید: «أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»^۵ نیز می فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ»^۶.

نتیجه

- ۱- به رسمیت شناختن ادیان آسمانی حق و همه ی و رسولان که قرآن نام آنان را ذکر کرده یا ذکر نکرده و زمینه برای پیروان همه ادیان تا در سایه اسلام زندگی کنند.
- ۲- تعامل با غیر مسلمانان بر اساس مدارا و بدون اکراه و تجاوز. خداوند می فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي

۱. سوره شوری/ آیه ۱۳.

۲. سوره انعام/ ۱۵۹.

۳. سوره انعام/ ۹۰.

۴. سوره انعام/ ۹۰.

۵. سوره بقره/ ۱۳۳.

۶. سوره آل عمران/ ۱۹.

الدِّينَ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنَ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ انفِصَامًا لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^۱ نیز می‌فرماید: «فَذَكَرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ»^۲ و به عنوان تعیین وظیفه پیامبر می‌فرماید: «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ»^۳ نیز می‌فرماید: «فَلِذَلِكَ فَادَّعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأَمَرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ»^۴ و می‌فرماید: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَوَلِي دِينِ»^۵. و در آیات نازل شده در مدینه نیز بر این معانی تأکید می‌کند؛ مثل این آیه «وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ اسْلَمْتُمْ فَإِنْ اسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»^۶.

و از جنبه عملی پیمان مدینه که به منزله قانون اساسی تلقی می‌شد، بر اهل مدینه که از نظر دین (مسلمانان، شرک، یهودیت) و نژاد (قحطانی، عدنانی، یهود) با یکدیگر تفاوت داشتند، حاکم بود؛ به گونه‌ای که بین همه آنها در حقوق عمومی و وظایفی همچون حسن همجواری، یاری رساندن به یکدیگر و آنچه که امروزه حقوق شهروندی نامیده می‌شود به تساوی عمل کرد.

ثالثاً: اصل در اسلام صلح است، نه جنگ

اسلام تنها در موارد ضروری به جنگ متوسل می‌شود. اصل جنگ نه تنها از محبوبیتی برخوردار نیست، بلکه نزد مومنان ناخوشایند است. خداوند می‌فرماید: «كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَىٰ

۱. سوره بقره/۲۵۶.

۲. سوره غاشیه/ آیه ۲۱.

۳. سوره مائده/ آیه ۹۹.

۴. سوره شوری/ آیه ۱۵.

۵. سوره کافرون/ آیه ۶.

۶. سوره آل عمران/ آیه ۲۰.

أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^۱» باز تأکید می‌کند: «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ^۲» و خداوند بر پیامبرش محمد و یاران او منت گذاشت که آنان را از ورود در جنگ منع کرد و فرمود: «وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا^۳» و کافران را بدون دستیابی به نتیجه‌ای بازگرداند.

این آیه به روشنی دلالت دارد بر این که اسلام دین صلح و عقیده، و نظامی است که می‌خواهد همه جهان را زیر سایه خود قرار دهد و خویش را میان جهانیان استوار ساخته، همه مردم را به عنوان برادرانی آشنا با یکدیگر و دوستدار هم گرد آورد. این امیدی است که خداوند تحقق آن را قطعی دانسته است؛ امری که در مورد قریش و اکثر قبایل پیرامون آن‌ها اتفاق افتاد و همگی زیر پرچمی واحد ایستادند و انتقامها و کینه‌ها از بین رفت.

چهارم: مقدم بودن صلح بر جنگ حتی در صورتی که صلح دارای زیان باشد

خداوند از صلح به عنوان خیر تعبیر می‌کند: «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا^۴» می‌فرماید: «وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِيَمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^۵» خطاب خداوند نه تنها برای مومنان است بلکه همه ی مردم را به صلح و اصلاح دعوت نموده، چرا که بهتر و سودمندتر است: «فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْتَبْتُمْ

۱. سوره بقره آیه/۲۱۶.

۲. سوره ممتحنه/ آیه ۷.

۳. سوره فتح/ آیه ۲۴.

۴. سوره نساء/ آیه ۱۲۸.

۵. سوره بقره/ آیه ۲۲۴.

إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^۱».

اسلام خطر افساد در زمین و عدم اصلاح را تبیین کرده و آن را از گناهان بزرگ و جنایت‌های عظیم می‌داند. خداوند می‌فرماید: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ^۲» و در توصیف کافران گناهکار می‌فرماید: «الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ^۳».

اصلاح، وظیفه و رسالت پیامبران است، از این رو خداوند متعال از زبان شعیب می‌فرماید: «ان ارید لاصلاح ما استطعت و با توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب^۴» و موفقیت را همراه خواست کسی قرار داده که همواره خواهان اصلاح است. از این رو می‌فرماید: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يَرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا^۵» خدای متعال میان افساد و نابودی و اصلاح و نجات رابطه مستقیم قرار داده است: «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ^۶».

صلح و اصلاح در اسلام تنها یک شعار نیست. پیامبر در سیره خود آن را عملی ساخته است. چون که زمانی ایشان به همراه تعداد زیادی از اصحاب خود جهت ادای عمره به طرف مکه آمد، به رغم تمام شواهد که اشاره داشت هدف اصلی آنان ادای عمره است و با بستن احرام و آوردن قربانی بر هدف خود تأکید می‌کردند، ولی با این حال قریش از حرکت آنان به سمت مکه جلوگیری کردند. پس از رسیدن به «حدیبیه» شتر پیامبر «قصوا» به گل نشست... ایشان فرمود: «به خداوندی که

۱. سوره بقره/ آیه ۲۲۰.

۲. سوره بقره/ آیه ۲۰۵.

۳. سوره شعراء/ آیه ۱۵۲.

۴. سوره هود/ آیه ۸۸.

۵. سوره نساء/ آیه ۳۵.

۶. سوره هود/ آیه ۱۷.

جان من در دست اوست، اگر چیزی را که در آن تعظیم مقدسات الهی است، از من بخواهند، با آن موافقت خواهم نمود^۱» پس از آن خواست به مکه وارد شود ولی قریش مانع ایشان شدند. از این رو فرستادگانش را یکی پس از دیگری برای بیان مواضع خود برای قریش گسیل داشت. وقتی که «خراش بن امیه الخزاعی» را فرستاد، قریش خواستند او را قتل برسانند، ولی مانع آنان شدند. سپس «عثمان بن عفان» را روانه نمود. او پیام پیامبر را مبنی بر این که هدف زیارت کعبه و بزرگداشت آن است به آنان رساند، ولی قریش بازگشت او را به تأخیر انداختند تا آنجا که مسلمانان گمان کردند او را به قتل رسانده‌اند. در اینجا بود که پیامبر همگان را به بیعت در زیر درخت دعوت کرد^۲. آن‌گاه یاران پیامبر همگی به جز «جد بن قیس» (که منافق بود) با پیامبر بیعت کردند.

سپس کار به صلح کشید که در ظاهر نوعی کوتاه آمدن از سوی مسلمانان به نفع مشرکان بود؛ به عنوان مثال؛ علی بن ابیطالب عقد صلح را نوشت و به فرمان پیامبر با بسم الله الرحمن الرحيم نوشت که «سهیل بن عمرو» نماینده قریش اعتراض کرد و گفت: به خدا سوگند «الرحمن» برای من ناشناخته است، بویس: «بسمک اللهم» مسلمان گفتند: به خدا سوگند! چیزی جز بسم الله الرحمن الرحيم نمی‌نویسیم. پیامبر فرمود: «بنویس بسمک اللهم».

پس از آن، سهیل به عبارت «این پیمانی است که «محمد رسول خدا» می‌بندد»، اعتراض کرد گفت: به خدا! اگر تو را فرستاده خدا می‌دانستیم، از آمدنت به خانه خدا جلوگیری نمی‌کردیم و با تو نمی‌جنگیدیم. بویس: «محمد فرزند عبد الله». پیامبر فرمود: به خدا سوگند که من فرستاده خدا هستم! هر چند مرا تکذیب کنید، بویس: «محمد فرزند عبد الله». علی بن ابی طالب از پاک کردن کلمه «رسول الله» عذر خواست. آن‌گاه پیامبر نوشته را گرفت و با دست خود آن را پاک کرد^۳.

۱. بخاری و فتح الباری ۳۲۹/۵.

۲. فتح الباری فی شرح صحیح البخاری ۷/ ۴۳۹؛ صحیح مسلم کتاب العماره ۱۴۰۹/۳ و دکتر اکرم ضیا العمری: السیره النبویه الصحیحه، چاپ قطر ۴۳۴/۲-۴۵۳.

۳. صحیح مسلم، کتاب الجهاد، ۱۴۱۰/۳-۱۴۱۱.

بعد سهیل به این بند از پیمان نامه اعتراض کرد: «به شرط آن که خانه را برای ما خالی کنید تا طواف کنیم» و گفت: شما را به خدا! آیا عرب نمی‌گویند که قریش در مشقت و تنگنا افتاد^۱ سپس شرط انحرافی ظالمانه‌ای گذاشت و آن اینکه: «هرکس از ما نزد تو آمد - گر چه بر دین تو باشد، باید به ما برگردانید، ولی هر کس از مسلمانان نزد قریش برگردد، قریش او را باز نخواهند گرداند^۲». با تمام این احوال پیامبر این پیمان‌نامه را پذیرفت، به رغم خشم و عدم رضایت مسلمانان از آن، به گونه‌ای که از شیوه نگارش طاق‌شان طاق شد تا آنجا که عمر به پیامبر عرض کرد: مگر تو به حق، پیامبر خدا نیستی؟ حضرت فرمود: چرا هستم، عرض کرد: مگر ما بر حق نیستیم و دشمن ما بر باطل نیست، حضرت فرمود: چرا. گفت: پس چرا در امر دین‌مان تن به ذلت دهیم؟ حضرت فرمود: من رسول خدا هستم و در حالی که خدا یاور من است، او را نافرمانی نمی‌کنم.

آنچه بر سختی کار افزود، این بود که در اثنای پیمان «ابو جندل بن سهیل» در حالی که پایش در زنجیر بود، از راه رسید و معلوم شد از پایین مکه بیرون آمده، خود را میان مسلمانان انداخت. سهیل گفت: ای محمد! این اولین وفایی است که باید به عهد خود کنی، و این شخص را به ما برگردانی، حضرت فرمود: ما که هنوز عهدنامه را امضا نکرده‌ایم و تعهدی نداریم. سهیل گفت: به خدا سوگند! حال که چنین شد، دیگر ابداً با تو صلح نخواهم کرد.

در صحیح بخاری آمده است: سهیل از توافق با پیامبر سر باز زد، مگر آن که ابو جندل را بازگرداند. مسلمانان از این کار ناراضی و خشمگین شدند و میان آنان بحث در گرفت. پس از آن که «سهیل» از امضای معاهده خودداری ورزید، پیامبر موافقت کرد: و ابو جندل را به پدرش باز گرداند. در آن مدت، هر مردی نزد پیامبر آمد، پیامبر او را به مشرکان بازگرداند، هر چند مسلمان بود^۳. مسلمانان از بازگرداندن مسلمانانی که برای دین خود فرار کرده بودند، خشمگین شدند تا آنجا که به پیامبر

۱. مصنف عبدالرزاق ۳۴۳/۵.

۲. صحیح بخاری همراه با فتح الباری، کتاب المغازی، ۴۵۳/۷.

۳. صحیح بخاری همراه با فتح الباری، کتاب المغازی، ۴۵۳/۷.

گفتند: آیا این شرط را می‌نویسید؟ فرمود: آری، کسی که از بین ما به طرف مشرکان برود، بگذار خداوند او را دور کند، و کسی که از مشرکان بین ما آید، به آنان برمی‌گردانیم، خداوند خودش راه نجاتی برای او فراهم می‌کند.^۱

این صلح که با این شروط و در سایه خشم و غضب مسلمانان، توسط پیامبر انجام شد، بر میزان اهمیت صلح از نظر پیامبر، بلکه از نظر اسلام دلالت دارد، به گونه‌ای که آیات الهی از بالای هفت آسمان نازل شد و آن را فتح نامید: (انا فتحنا لک فتحاً مبیناً) تا آن که رسول خدا فرمود: «امشب سوره‌ای بر من نازل شد که از آنچه آفتاب بر آن می‌تابد، نزد من عزیزتر است.» سپس؛ «انا فتحنا لک فتحاً مبیناً» را قرائت فرمود.^۲

حقاً که این صلح، پیروزی و فتح بزرگی برای دل‌ها بود، چرا که پس از صلح سال ششم هجری تا سال فتح مکه تعداد مسلمانان به هشت هزار نفر رسید. در صلح حدیبیه ۱۵۰۰ نفر همراه پیامبر بودند، در حالی که در زمان فتح مکه هشت هزار نفر همراه ایشان بودند.

پیامبر همواره بیش از دیگران به اجرای بندهای پیمان‌هایی که با ایشان بسته می‌شد، پایبند بود - چنان که گذشت - تا آنجا که هنگامی که برخی از جوانان سبکسر قریش که تعداد آنان هشتاد بود غافلگیرانه به اردوگاه نظامی مسلمانان شیبخون زدند، ولی توسط مسلمانان به اسارت افتادند، پیامبر از آنان درگذشت و آنان را آزاد فرمود^۳، با اینکه می‌توانست این کار را بهانه‌ای برای نقض پیمان قرار دهد. همان‌طور که از هفتاد اسیر که مسلمانان پس از صلح آنها را به اسارت درآوردند، و چهار نفر که می‌خواستند پیامبر را از مرکب به زیر افکنند و «سلمة بن الاکوع» آنها را دستگیر کرد، درگذشت^۴.

۱. صحیح مسلم، ۱۴۱۲/۳.

۲. صحیح بخاری، فتح الباری، کتاب المغازی، ۴۵۲/۷.

۳. صحیح مسلم، الجهاد، ۱۴۴۲/۳.

۴. مشاهد مفاد صلح‌نامه مراجعه شود به صحیح مسلم (۱۴۳۳/۳-۱۴۴۱) حدیث ۱۸۰۷، و اسیره الصحیحه (۴۴۶/۲....).

مسلم در صحیح به سند خود از انس بن مالک روایت کرده: هشتاد مرد از اهالی مکه پنهانی از بالای کوه «تنعیم» به قصد کشتن رسول خدا و یاران او پایین آمدند، مسلمانان آنان را آزاد کردند و این آیه نازل شد: «سوره فتح / آیه ۲۴) وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا» در این آیه، نشانه دیگری بر اهمیت صلح و عدم ورود به جنگ وجود دارد، چون خداوند با این کار بر مسلمانان منت گذاشته است؛ دلالت بر آن دارد صلح از نعمت‌های بزرگ است و جنگ در اسلام از محبوبیتی برخوردار نیست.

شیخ محمد عبدالله دراز می‌نویسد: از این جا می‌فهمیم که جنگ از دیدگاه اسلام شری است که تنها در موارد اضطرار به آن پناه می‌بریم، و اگر مسلمانان با رایزنی به صلحی دست یابند که در آن مواردی از حقوق‌شان نادیده گرفته شود، ولی در همان زمان از خون‌ریزی جلوگیری کند، از جنگی پیروزمندانه که در آن جان افراد از بین رود و بسیاری کشته شوند، بهتر است.^۱

پنجم: اصل عدالت و قسط^۲

اصل عدالت در اسلام از بزرگ‌ترین اصول است که شریعت، بلکه آسمان‌ها و زمین بر آن نهاده

۱. صحیح مسلم، ۱۴۴۲/۳، حدیث ۱۸۰۸.

۲. دراسات اسلامیة، دکتر محمد عبدالله دراز، چاپ دار القلم، کویت، سال ۱۹۷۹، ص ۱۴۲.

۳. ابوالبقاء العکبری در الکلیات، چاپ موسسه الرساله، ص ۱۵۰ می‌نویسد: «اعتدال عبارت است از حالتی میان دو حالت از نظر کم و کیف» و نیز در صفحه ۶۳۹ می‌نویسد: «عدل ضد جور و ستم است... عدالت در لغت به معنای استقامت است و در شریعت عبارت است از: «استقامت در راه حق از روی اختیار» که با مخالفت هوای نفس حاصل می‌گردد»، و در صفحه ۷۳۳ می‌آورد: قسط با قاف کسره‌دار به معنای عدالت است و با قاف ضمه‌دار به معنای ستم و جور است» و قسطاس به معنای ترازوی دقیق است که برای جلوگیری از زیادی یا نقصان استفاده می‌شود. در کتاب معجم الوسیط، چاپ قطر، ص ۵۸۸ آمده: عدل به معنای انصاف، یعنی دادن مال هر کس و گرفتن آنچه علیه اوست. در صفحه ۷۳۴ می‌خوانیم: قسط به معنای عدل، و از جمله مصدرهایی است که اشیا با آن وصف می‌شوند، چه مفرد باشند، چه جمع و این گونه گفته می‌شود: میزان قسط، میزانان قسط، موازین قسط... قسطاس: دقیق‌ترین و محکم‌ترین ترازوها را گویند.

شده است. از این رو کلمه عدل و مشتقات آن، بیست و هشت مرتبه در قرآن تکرار شده است. چنان که هم ردیف آن «قسط» در قرآن کریم ذکر شده است... قرآن کریم در ضمن قسط و عدل به اهمیت آن دو می پردازد، تا آنجا که به بر عدل و احسان فرمان می دهد. خداوند می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»^۱ نیز می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»^۲ و می فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»^۳ و نیز می فرماید: «فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ»^۴ و بر حرمت بی عدالتی با دیگر گروه ها تأکید کرده است، هر چند دشمن باشند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»^۵ و به مسلمانان دستور داده که بر اساس عدالت میان همه مردم داوری کنند، بلکه عدالت را زیربنای حکومت اسلامی قرار داده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا»^۶ انسان ها را از پیروی از هواهای نفسانی و امیال و منافع شخصی (که باعث ترک عدالت شوند) نهی نموده و می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ

۱. سوره نمل/ آیه ۹۰.

۲. سوره مائده/ آیه ۸.

۳. سوره انعام/ آیه ۱۵۲.

۴. سوره شوری/ آیه ۱۵.

۵. سوره مائده/ آیه ۸.

۶. سوره نساء/ آیه ۵۸.

لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانِ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا^۱» و به رعایت عدالت (حتی با کسانی که علیه حکومت دست به اقدامات مسلحانه برده و بغی کرده‌اند) تأکید کرده و می‌فرماید: «فَإِنْ فَاءت فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسَطُوا إِنْ اللَّهُ يَحِبُّ الْمُقْسَطِينَ^۲» حتی از تعدد همسران در صورتی که منجر به ظلم به آنان شود، نهی نموده است: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسَطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا^۳» و عدالت را شرط پذیرش و شهادت و قضاوت و امثال آنها قرار داده است و می‌فرماید: «فَإِذَا بَلَغَ الْأَجِلْنَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهَدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا^۴»

کلمه «قسط» و مشتقات آن بیست و هفت بار در قرآن کریم تکرار شده است. آیات به رعایت قسط به صورت مطلق که به معنای عدالت است امر کرده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانِ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا^۵» همچنین به رعایت قسط در قضاوت امر کرده و می‌فرماید: «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَالُونَ لِلْسُّحْتِ فَإِنْ جَاؤُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسَطِينَ^۶» و به رعایت قسط در مخاصمات حتی با کسانی که از قانون سرباز زده‌اند

۱. سوره نساء/ آیه ۱۳۵.

۲. سوره حجرات/ آیه ۹.

۳. سوره نساء/ آیه ۳.

۴. سوره طلاق/ آیه ۲.

۵. سوره نساء/ آیه ۱۳۵.

۶. سوره مائده/ آیه ۴۲.

امر کرده و می‌فرماید: «فأصلحوا بينهما بالعدل وأقسطوا إن الله يحب المقسطين^۱» خداوند، فرجام کسانی که انسان‌های عدالت‌پیشه را به قتل می‌رسانند، آتش جهنم و عذاب دردناک قرار داده و می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ^۲». و دستور می‌دهد در پیمان‌ها و سنجش اشیای مادی و معنوی، به رعایت قسط و عدل همت گماریم و می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَعَهِدِ لِلَّهِ أَوفُوا أُولَئِكَمْ وَصَّامِكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ^۳» نیز می‌فرماید: «و زنوا بالقسطاس المستقیم^۴». و از جنبه عملی، سیره و رفتار ایشان با عموم مردم و نیز سیره خلفای راشدین بهترین الگوی عدالت و قسط است.

ششم: به رسمیت شناختن اختلاف و تنوع

به رسمیت شناختن اختلاف در باورها، اندیشه‌ها، رنگ‌ها، گروه‌ها، واقع‌گرایی دین اسلام. این در حالی است که امت اسلامی را به وحدت دعوت کرده و خواستار خیر و نیکی برای آنان است. قرآن کریم می‌فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ^۵» یعنی انسان‌ها در ابتدا اختلافی نداشته‌اند و بعدها اختلاف به وجود آمده است. همچنین قرآن پس از آن که اختلاف یهودیان و مسیحی‌ها را یادآوری می‌کند می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ

۱. سوره حجرات/ آیه ۹.

۲. سوره آل عمران/ آیه ۲۱.

۳. سوره انعام/ آیه ۱۵۲.

۴. سوره آل عمران/ آیه ۳۵.

۵. سوره بقره/ آیه ۲۳۱.

الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ^۱ «قرآن کریم بر این نکته تاکید می‌کند که اختلاف یکی از راه‌های آزمایش مردم است: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ * إِلَّا مَنْ رَجِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لِأُمَّةٍ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ^۲».

این آیات متعدد و روایات نبوی بسیاری که درباره صلح وجود دارد، مسلمانان را برای پذیرش انسان‌های دیگر که از نظر اعتقاد، اندیشه، اصول و فروع با آنان اختلاف دارند و زندگی مسالمت‌آمیز با آنها آماده می‌کند. تاریخ اسلامی این واقعیت را تایید می‌کند که بسیاری از غیر مسلمانان زیر چتر قدرتمند حکومت اسلامی زندگی کرده و از همه حقوق خود برخوردار بوده‌اند حتی در برخی موارد مناصب و مسئولیت‌های کلانی بر عهده داشتند. واقعیتی که در امپراطوری‌های دینی دیگری همچون حکومت روم که یهودیان و همه غیر مسیحیان را مورد ظلم و ستم قرار می‌داد، اتفاق نیفتاد. تاریخ فراموش نخواهد کرد که صلیبی‌ها با مسلمان و یهود در اندلس چه کردند.

هفتم: گفتگو به جای مشاجره (کشمکش) و قدرت منطق به جای منطق قدرت

قرآن کریم تأکید دارد که امت اسلامی همواره به تبلیغ بر اساس حکمت، اندرزهای نیکو و گفتگو، و مناظره به طریقی که نیکوتر است عادت کنند و به قهر و زورگویی و کشمکش روی نیاورند. قرآن می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ^۳» و بار دیگر بر منع از مناظره و جدال با

۱. سوره مائده/ آیه ۴۸.

۲. سوره هود/ آیه ۱۱۹-۱۱۸.

۳. سوره نحل/ آیه ۱۲۵.

اهل کتاب جز به شیوه ای که نیکو است تأکید کرده و می‌فرماید: «ولاتجادلوا اهل الكتاب الا بالتی هی احسن»^۱ قرآن کریم، کتاب گفتمان و گفتگو است، چرا که مجموعه‌ای از گفتگوها را نقل می‌کند، مثل گفتگوی ملائکه با خداوند متعال در مورد جانشینی آدم، گفتگوی شیطان با خدای بزرگ، گفتگوی پیامبران با خداوند، همچون گفتگوی موسی، گفتگوی پیامبران با امت‌ها و مردم خویش و دیگر گفتگوها همچون گفتگوی دو مرد صاحب باغ در سوره کهف.

هشتم: دفاع به جای تعارض، اصل اساسی در برخورد

قرآن کریم از لفظ «صرع»^۲ به معنای درگیری و تعارض استفاده نکرده، بلکه از لفظ «دفع»، «دفاع» و «مدافعه» به جای صراع استفاده کرده است. خداوند می‌فرماید: «ان الله يدافع عن الذين آمنوا ان الله لا يحب كل خوان كفور»^۳ نیز می‌فرماید: «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ»^۴ و می‌فرماید: «ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع وبيع و صلوات و مساجد»^۵ آیات بر روش تدافع دلالت دارند و آن را به عنوان سنتی الهی که ستمکاران را دفع می‌کند، معرفی می‌نماید. از پرورش اندیشه درگیری و صراع در دل‌های مسلمانان و اتخاذ آن به عنوان یک روش در ارتباطات و تعاملات خود، جلوگیری می‌نماید. همانگونه که در مورد سنت اختلاف و خلاف (با اینکه سنت است) مسلمانان نباید از آن به عنوان روش تعامل و برخورد استفاده نمایند.

۱. سوره عنکبوت/ آیه ۴۶.

۲. نه لفظ صرع، و نه مشتقات آنها در قرآن نیامده است، مگر در سوره حاقه، آیه ۷ که لفظ صرعی آمده است: (فتري القوم فيها صرعی كأنهم اعجاز نخل خاویه).

۳. سوره حج/ آیه ۳۸.

۴. سوره بقره/ آیه ۲۵۱.

۵. سوره حج/ آیه ۴۰.

روش مورد تأکید قرآن در کیفیت تعامل با مخالفان «پاسخگویی با بهترین منطق است، از این رو خداوند در سوره مؤمنون می‌فرماید: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ»^۱ و در سوره فصلت می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ * وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»^۲

این آیات دلالت می‌کنند که پیامبر و مبلغان پیرو او موظفند با بدی‌های کافران، منافقان و فاسقان، با منطقی نیکو پاسخ دهند، چه در حوزه سخن، که باید سخن زشت را با سخن نیکو جواب داد و چه در حوزه رفتار که می‌بایست رفتار زشت آنان را با کارهای شایسته و اعمال سودمند و خوب پاسخ گفت. خداوند متعال در توصیف عباد الرحمان می‌فرماید: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»^۳.

مؤمن می‌بایست همانند درخت بارور باشد که وقتی آن را با سنگ می‌زنند، به جای آن میوه‌های خوشمزه دهد. این روش، شیوه موفقیت‌آمیز در تعامل است؛ روشی که نتایج خوبی به دنبال خواهد داشت؛ چون دشمنی را به محبت؛ بدی را به نیکی؛ قطع رابطه را به پیوند و برادری تبدیل می‌کند. هر چند که این روش، آسان نیست مگر برای صابران که خداوند متعال به آنان سهم بزرگی از شکیبایی در برابر آزارها داده است و در دنیا و آخرت پاداش عظیم و ثواب فراوان نصیبشان خواهد کرد.

۱. سوره مؤمنون / آیه ۹۶.

۲. سوره فصلت / آیه ۳۴ و ۳۵.

۳. سوره فرقان / آیه ۶۳.

کاربردهای عملی روابط بین‌الملل در حال صلح و جنگ

الف) در حال صلح

دین اسلام همواره بر حفظ امنیت و آرامش و صلح و پابندی به قراردادهای و پیمان‌هایی که میان حکومت اسلامی یا مسلمانان با غیرمسلمانان، چه به صورت فردی و چه حکومت تاکید شدید می‌کند. بسیاری از نصوص صریح بر این مهم دلالت می‌کنند، خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُجَلَّى الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ»^۱ نیز می‌فرماید: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُلًا»^۲ و وفای قراردادهای و پیمان‌ها را از صفات مومنان و نقض آنها را از صفات کافران و منافقان قلمداد کرده و در توصیف مؤمنان می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»^۳ قرآن کریم به حکومت اسلامی اجازه نقض قراردادهای و معاهدات خود با دولت‌های غیراسلامی را تا آن زمان که آنان نقض عهد نکرده‌اند نمی‌دهد.

بیست آیه از سوره انفال (۷۵-۷۵) که از آخرین سوره‌هایی می‌باشد که بر پیامبر اسلام نازل شده است، تصویری روشن از روابط خارجی دولت اسلامی با دولت‌های مسلمان و قبایل و اردوگاه‌های نظامی پیرامونی را به ما نشان می‌دهد. در این آیات امکان عقد معاهدات همزیستی میان اردوگاه‌های نظامی گوناگون را تا آن زمان که بتوان از پیمان‌نامه‌ها محافظت کرد، می‌دهد. در عین حال بر احترام کامل و جدی بودن طرفین در اجرای مفاد آن از طریق مفاهیم نیز تاکید می‌کند.^۴

۱. وجوب حفظ عهد و پیمان‌ها از نقض و تخلف. در این آیات از عهدشکنان به عنوان بدترین موجودات نام برده شده است. خداوند می‌فرماید: بدترین موجودات کسانی هستند که پیمان‌های خود با پیامبر را شکستند.

۱. سوره مائده/ آیه ۱.

۲. سوره اسراء/ آیه ۳۴.

۳. سوره مومنون/ آیه ۸.

۴. سیدقطب، فی ظلال القرآن، ۱۵۳۹/۳.

۲. در صورتی که حکومت اسلامی از خیانت طرف مقابلی که با آنان پیمان بسته است نگران باشد، آنان را از دیدگاه خود آگاه می‌سازد و به آنان خیانت نمی‌کند. چرا که خداوند خائنان را دوست ندارد. اسلام همواره بر صیانت از پیمان و حفاظت از قرارداد و التزام به عهدنامه‌ها تاکید کرده، در صورت عدم التزام طرف مقابل، مسلمانان حق مقابله به مثل و خیانت را ندارند، بلکه موظفند به صورت واضح و صریح به پیمان‌شکن گوشزد نمایند. از این‌روست که اسلام انسان‌ها را به قله‌های شرف و استقامت رهنمون ساخته، آنان را به ساحل امنیت، آرامش، ثبات و نترسیدن از خیانت و فریب می‌رساند.

۳. لزوم آمادگی و تدارک قوا با هدف جلوگیری از طمع‌ورزی دشمنان حکومت اسلامی که امروزه از آن به عنوان «نظریه قدرت بازدارند» تعبیر شود.

۴. در صورت تمایل دیگران به صلح، حکومت اسلامی موظف به انتخاب گزینه صلح به همراه توکل بر خداست: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»^۱

قرآن کریم بر لزوم صلح عادلانه و تمایل به آن تاکید می‌کند، هر چند با ترس از خیانت طرف مقابل. خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ يَرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي يُضِرُّهُ وَإِذَا الْمُؤْمِنِينَ»^۲.

۵. ضرورت فراهم آوردن شکوه و عظمت رای دین اسلام، و اراده‌ی قوی و آمادگی پایدار و مستمر برای حمایت امت، نه برای تجاوز؛ چون خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.

۶. تاکید بر اصل همبستگی مسلمانان با یکدیگر در مقابل اتحاد و همبستگی کافران با یکدیگر. امت اسلامی نباید به صورت پراکنده و متفرق باشند، در حالی که دشمنان آنان به صورت یکپارچه و متحد و از چله یک کمان به سوی آنان تیراندازی نمایند. بزرگترین فتنه و مصیبت آن است که مسلمانان از درک اهمیت وحدت و همبستگی و برادری

۱. سوره انفال / آیه ۶۱.

۲. سوره انفال / آیه ۶۲.

ناتوان باشند «لا تفعلوه تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر»^۱.

۷. مجازات کسانی که امکان اطمینان به پیمان‌نامه، همجواری مسالمت‌آمیز و شر و آسیب‌های آنان نیست، ترساندن و شلاق محکم بر دستشان زدن است تا زمانی که این عمل زشت را ترک نمایند.

۸. لزوم برپایی روابط، به صورت شفاف و حفظ پیمان‌ها و قراردادهای و ترک خیانت و ماکیاولی مآبی، سیدقطب می‌نویسد:

اسلام به دنبال پیشرفت و سلامت بشر است. از این رو اجازه نمی‌دهد برای رسیدن به پیروزی از راه خیانت وارد شد. چرا که اسلام به دنبال رسیدن به بزرگ‌ترین غایات و شرافتمندانه‌ترین مقاصد است، لذا اجازه نمی‌دهد برای رسیدن به غایات بزرگ، از ابزارهای پست استفاده نمود. اسلام از خیانت بیزار است و خائنان به عهد را انسان‌هایی حقیر و پست می‌داند. از این رو به مسلمانان اجازه نمی‌دهد عهد و پیمان را برای هدفی هر چند متعالی زیر پا نهند و به آن خیانت کنند. جان آدمیت واحد است و قابل تجزیه نیست، پس هر گاه استفاده از راهی پست را برای خود برگزیند، نخواهد توانست به هدفی بزرگ و متعالی متعهد شود. انسانی که هدف او، وسیله‌اش را توجیه کند، مسلمان نیست، چرا که این اصل با شعور و حساسیت‌های اسلامی همخوانی ندارد.^۲

۹- یکی دیگر از دلایل التزام مسلمانان به پیمان‌های خود آن است که در صورتی که مسلمانانی خارج از محدوده حاکمیت دولت اسلامی نیازمند کمک و یاری حکومت باشند، بر دولت اسلامی واجب است آنان را یاری نماید، به شرط آن که کمک‌ها با پیمانی از پیمان‌های مسلمانان با اردوگاه مقابل تناقض نداشته باشد، هر چند که طرف مقابل نسبت به حقوق دینی و عقاید مسلمانان مورد نظر تجاوز و تعدی کرده باشد. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَهَاجَرُوا مَا

۱. سوره انفال / آیه ۷۳.

۲. سیدقطب، فی ظلال القرآن، ۱۵۴۲.

لَكُمْ مِّنْ وَلَا يَتَّبِعُهُمْ مِّنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ».

ب) در حال جنگ

پیداست که مقصود از جنگ مشروع در اسلام، جهاد در راه خداوند با هدف اعلاى کلمه الله است، نه برای تحقق اهداف دنیوی، از این رو جنگ از نظر اسلام عملی دینی اخلاقی است و در حقیقت دفاع - به معنای گسترده آن - از دین و وطن است.^۱

در صورتی که جنگ اتفاق بیفتد، دین اسلام جهت کاهش آثار آن و مشخص نمودن لزوم و مقتضیات آرایش دفاعی صرف، قواعد عملی بسیاری را وضع کرده است. از این رو، از کشتن زنان، عبادت کنندگان در معابدشان و کشاورزان در مزارعشان نهی کرده. خداوند فرموده: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفَاتِلُوكُمْ»^۲ از تجاوز کردن حتی در حال جنگ منع نموده است. «وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»^۳.

منع تجاوز از طریق اقدامات زیر صورت می‌پذیرد:

۱- پذیرش کسانی که اسلام آوردن خود را اعلام می‌کنند، هر چند در میدان نبرد و در حال فرار باشند و تعدادی از مسلمانان را کشته باشد. پیامبر اسلام می‌فرماید:

به من امر شده است که با مردم بجنم تا آن زمان که گواهی دهند که خدا یک است و اینکه محمد فرستاده اوست، پس اگر چنین کردند، جان و دارایی‌هایشان نزد من مصون خواهد بود، مگر بر اساس ایمان، و حساب آنان با خداست^۴ و خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ

۱. سوره انفال / آیه ۷۲.

۲. الاسلام و القوة، تحقیق نویسند منتشر شده در مجله مرکز پژوهش‌های سنت و سیره.

۳. سوره بقره / آیه ۱۹۰.

۴. سوره بقره / آیه ۱۹۰.

۵. صحیح بخاری، کتاب الایمان و کتاب فتح الباری / ۱

اللَّهُ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتُ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا^۱» همچنین در صورت مسلمان شدن یک جنگجو، خون فرزندان خردسال وی مصون خواهد بود.^۲

۲- ممنوعیت قتل پیام‌رسانان و سفیران و گروگان‌ها بدون توجه به نوع دشمنی حکومت‌های آنان. حاکم و ابوداود با سند خویش از نعیم بن مسعود این حدیث را نقل کرده اند و حاکم آن را صحیح شمرده است: شنیدم که رسول خدا پس از خواندن نامه «مسيلمه» به دو فرستاده وی می‌گوید: نظر شما چیست؟ گفتند: همان را می‌گوییم که او می‌گوید. حضرت فرمود: «اگر نبود که قاصدان را نمی‌کشند، گردن شما را می‌زدم». حاکم این حدیث را صحیح دانسته است.^۳

۳- ممنوعیت قتل زنان، کودکان، کهنسالان، راهبان، کشاورزان، کارگران، شخم‌زنان و امثال این اشخاص که در جنگ شرکت نکرده‌اند، خداوند می‌فرماید: «قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولا تعتدوا»^۴.

امام مسلم در صحیح خود، باب تحریم قتل زنان و کودکان در جنگ را آورده است سپس به سند خود از عبدالله نقل می‌کند که در یکی از جنگ‌های رسول الله جسد زنی پیدا شد، آن‌گاه پیامبر از قتل زنان و کودکان اعلام بیزاری فرمود.^۵

ابو داود با سند خود از رسول خدا نقل کرده که فرمود: «پیرمردان و کودکان را نکشید» و احمد به سند خود از ابن عباس نقل کرده که گفت: «هر گاه پیامبر لشکریان خود را روانه کارزار می‌کرد، می

۱. سوره نساء/ آیه ۹۴.

۲. المغنی مع الشرح الکبیر، ۴۱۳/۱۰.

۳. المستدرک، ۱۵۵/۲؛ سنن ابی داود، ۸۳/۳.

۴. بقره/ آیه ۱۹۰.

۵. صحیح مسلم، کتاب الجهاد، ۱۳۶۴/۳.

۶. سنن ابی داود، کتاب الجهاد، ۳۷۱/۳.

فرمود: به نام خدا خارج شوید... کودکان و اهل صومعه‌ها را نکشید.^۱ و در سفارش‌های ابوبکر به یزید بن ابی سفیان آمده است: «گروهی را خواهی دید که زندگی خویش را صرف عبادت خدا کرده اند، پس آنان را با آنچه گمان کرده‌اند رها کن^۲»، ابن ماجه به سند خویش از رسول خدا روایت کرده که فرمود: «نه فرزندان و نه افراد اجیر را نکشید.^۳»

۴- کراهت قتل پدر و مادر و خویشاوندان، مگر در موارد ضروری و نیاز. این نظر حنفی‌ها، شافعی‌ها و زیدیه است.^۴ دلایل معتبری در این خصوص وارد شده است. در خصوص پدر و مادر به دلیل آیه: «و صاحبهما فی الدنيا معروفاً^۵» و نیز گفته امام محمد بن حسن شیبانی در کتاب خود: حنظله بن ابی عامر و عبدالله بن عبدالله بن ابی سلول از پیامبر اجازه خواستند تا پدرانشان را به قتل برسانند، ولی پیامبر از این کار نهی کرد^۶ سپس روایاتی را آورده که برخی افراد در جنگ پدران خود را کشته‌اند و پیامبر در برابر آن سکوت کرده است.^۷ این بدان معناست که در صورتی که فرزند قصد کشتن پدران خود را نداشته باشد، ولی به مقتضای ضرورت و یا نیاز مجبور به انجام آن شود، گناهی مرتکب نشده است.^۸

۵- ممنوعیت سوزاندن و غرق کردن و قطع درختان و نظایر آن، مگر در صورتی که ضرورت جنگ اقتضا کند یا آن که موجب کمتر شدن خون‌ریزی گردد.

۶- ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی که علاوه بر ضرر رساندن به سربازان میدان نبرد به افراد غیرنظامی همچون زنان، کودکان، حیوانات و نسل‌های آینده زیان می‌رساند. دلایل

۱. مسند احمد، ۳۰۰/۱.

۲. معرفة السنن و الآثار، بیهقی، ۲۴۹/۱۳.

۳. سنن ابن ماجه، کتاب الجهاد، ۹۴۸/۲.

۴. النتف، السغدی، ۷۱۰/۲؛ نه‌ایة المحتاج، ۶۴/۸.

۵. سوره لقمان، آیه ۱۵.

۶. السیر الکبیر، چاپ مطبعة الاعلانات الشرقیه، ۱۰۶/۱.

شرعی از کتاب و سنت بر عدم جواز این عمل مؤید هم هستند و برخی از فقها از جمله مالکی‌ها، بر عدم جواز استفاده از سم برای کشتن دشمنان تصریح نموده‌اند.^۱

۷- ممنوعیت قتل حیوانات. ابوبکر به کسانی که به جنگ روانه می‌کرد، توصیه می‌نمود: «هیچ گوسفند یا شتری را نکشید، مگر برای خوردن آن»^۲

۸- ممنوعیت زیان رساندن به محیط زیست تا حد امکان، مثل عدم قطع درختان و امثال آن، مگر در صورتی که اوضاع و احوال جنگ اقتضا کند؛ چون در توصیه ابوبکر آمده است: «هیچ درختی را به آتش نکشید و هیچ درخت باروری را قطع نکنید»^۳.

۹- دادن تأمین و درخواست پناهندگی؛ چون «اسلام به هر مومنی اجازه داده است هر کافری را پناه دهد. احادیث و روایات دال بر آن را پیش‌تر ذکر کردیم، از جمله روایت پیامبر: «ویسعی بدمتھم ادناھم» یعنی پایین‌ترین مومنان کارهایی را که به عهده مومنان است، بر ذمه خود انجام می‌دهد.^۴ خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ»^۵ امام محمد شیبانی در خصوص این موضوع، مطالب جالبی مطرح کرده است.^۶

۱۰- صلح و آتش‌بس: در خصوص اهمیت آن از نظر اسلام و اجرای آن در صلح حدیبیه بحث شد.

ج) پایان جنگ و پیروزی مسلمانان، اسلام در مورد چگونگی تعامل با شکست

۱. مواهب الجلیل، ۳/۳۵۲.

۲. معرفة السنن، بیهقی، ۱۳/۲۴۹.

۳. همان.

۴. آدرس قبلاً داده شده است.

۵. سوره توبه/ آیه ۶.

۶. السیر الکبیر، ۲/۴۲۰.

خوردگان و به ویژه اسرای جنگی احکامی دارد

دین اسلام دستور می‌دهد با آنان به نیکی رفتار کنید و نیازهای اولیه آنان همچون غذا، آب و مسکن را تامین نمایید؛ چون خداوند متعال غذا دادن به اسیران را از برترین اعمال نزدیک‌کننده انسان به خود بر می‌شمرد: «و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیمأ و اسیرأ انما نطعمکم لوجه الله لانیرد منکم جزاءً ولا شکوراً»^۱ این آیه در مورد امام علی نازل شده است که غذای خویش را به مسکین، یتیم و اسیر بخشید و خود و خانواده گرامی‌اش گرسنه ماندند. همچنین دین اسلام، پیروان خود را ملزم به احترام به اجساد کشته‌شدگان و دفن آنها می‌نماید و از گرفتن اجرت در برابر پس دادن، دفن کردن و... آنها نهی می‌کند.

بهترین مثال در این خصوص، عملکرد پیامبر است، آنگاه که وارد مکه شده و با کسانی روبرو می‌شود که در طول بیست سال گذشته ایشان و یارانش را آزار و اذیت نموده و از هر عملی که می‌توانستند در صدمه رساندن به پیامبر انجام دهند، واگذاری نکردند، ولی با این همه، پیامبر دست به شتمات و انتقام‌جویی نزده، بلکه آن جمله معروف را فرمود: «اذهبوا فانتم الطلقاء». بروید، شما آزادشدگان هستید.

مقایسه میان اصول اسلامی و قانون بین‌المللی بشر دوستانه

همانگونه که قبلاً اشاره شد، مقصود از قانون بشردوستانه بین‌المللی، مجموعه‌ای از قواعد و اصولی است که محدودیت‌هایی را در استفاده از قدرت برای توقف مخاصمات مسلحانه، وضع می‌کند. این کار با هدف:

- ۱- جلوگیری از بروز آثار ناشی از خشونت بر سربازان جنگی که از مقدار آثاری که به طور طبیعی و بنا بر ضرورت جنگ بر جای می‌ماند، بیشتر است.

۱. سوره انسان/ آیه ۹.

۲. تفسیر طبری، ۱۴/ ۲۵۴.

۲- دور کردن افرادی که به شکل مستقیم در عملیات‌های نظامی شرکت نمی‌کنند.^۱
اصطلاح قانون بشردوستانه بین‌المللی، اصطلاح جدیدی است که برای اولین بار در اسنادی که از سوی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به اولین کنفرانس کارشناسان دولتی در ژنو در سال ۱۹۷۱ تقدیم شد، به کار رفت. هدف از استفاده از اصطلاح جدید، نشان دادن طبیعت بشردوستانه قواعد و اصول جنگ بود.^۲

در فقه اسلامی، این اصطلاح و نه حتی اصطلاح «قانون بین‌المللی» را نمی‌یابیم، ولی در عین حال فقه اسلامی پیش از قوانین وضعی اقدام به وضع مبانی و اصول روابط بین‌الملل و قانون بشردوستانه بین‌المللی کرده، ولی به جای این اصطلاحات، از اصطلاحاتی همچون «جهاد» و «سیر» استفاده نموده است.

پیشوایان بزرگوار و به ویژه امام محمد بن حسن شیبانی - متولد ۱۳۲ و متوفای ۱۸۹ هـ - که کتاب بزرگی در پنج جزء در خصوص مباحث مربوط به «سیر» یا به عبارت دقیق، مربوط به روابط بین‌الملل و قانون بین‌المللی بشردوستانه نگاشت، به عنوان اولین پیشگام از طلایه‌داران تألیف کتاب در موضوع روابط بین‌الملل به شمار می‌رود حتی بسیار پیش‌تر از گروسیوس هلندی - ۱۵۸۳ تا ۱۶۴۵ - که پدر حقوق بین‌الملل در عصر خویش نامیده شده است. دانشمندان حقوق بین‌الملل و کسانی که در کشورهای مختلف با این رشته سر و کار دارند، جمعیتی را در دانشگاه گوتینگن آلمان تأسیس کردند و نام آن را «جمعیت حقوق بین‌الملل شیبانی» گذاشتند. در آن زمان فقیه و حقوقدان مصری، دکتر عبدالحمید بدوی به ریاست آن انتخاب شد. همچنین دکتر صلاح‌الدین منجد، پژوهشگر کتاب «السیر الکبیر» شیبانی نیز انتخاب گردید.^۳

۱. دکتر جعفر عبد السلام، القانون الدولي الانسانی، پژوهش منتشر شده در مجله دانشکده فقه و حقوق دانشگاه الازهر، شماره دوم، ۱۴۰۶ هـ.ق، ص ۱۶۶، و منابع حقوقی سابق.

۲. منابع سابق

۳. مقدمه مدیر مرکز نسخ خطی در قاهره بر کتاب السیر الکبیر، چاپ شرکت تبلیغات الشرقیه، ۱۹۷۱، ۱/۳.

در اسلام، حمایت از دیگران در آیات قرآن کریم آمده است. آیاتی که به عدالت و نیکی در صلح و جنگ رهنمون می‌سازد و در صورت مجبور شدن مسلمانان یا حکومت اسلامی به جنگ، به هیچ وجه به اقدامات تجاوزکارانه دست بزنند.

خداوند می‌فرماید: «مَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»^۱ نیز می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»^۲. این دو آیه به خوبی نشان می‌دهد که جنگ در اسلام به ابتدایی نیست، بلکه به عنوان پاسخی به تجاوز تجاوزکاران است. با این حال، اسلام توصیه می‌کند که پاسخ مسلحانه باید هم‌تراز تجاوز طرف مقابل باشد و فقط کسانی را باید کشت که برای کشتن مسلمانان دست به جنگ زده‌اند. در نتیجه، حمایت در اسلام شامل همه کسانی می‌شود که در حال حاضر با ما نمی‌جنگند، چه مرد باشند و چه زن و به هر دلیلی به میدان نبرد وارد نشده‌اند، که کشتن و یا تجاوز به حقوق آنان جایز نیست. قرآن نیز با صراحت بر این مهم تاکید می‌کند.

در آیه دیگری قرآن کریم به جنبه روانی انسان یعنی خشم و نفرت ناشی از کارهای بد دشمنان می‌پردازد و از اینکه خشم، انگیزه بی‌عدالتی و ستم روا داشتن و تجاوز به حقوق آنان گردد گوشزد کرده و ما را بر حذر می‌دارد^۳.

در این آیه قرآن کریم از مسلمانان می‌خواهد از تحت تأثیر قرار گرفتن از اعمال اهل مکه در جلوگیری از ورود پیامبر و یارانشان در جریان صلح حدیبیه و اذیت و آزار آنان، در حالی که برای ادای عمره، احرام بسته بودند، برحذر باشند و این کار بر عدالت پیشگی مسلمانان اثر نگذارد.

خداوند متعال در بیش از سیصد آیه از قرآن کریم به عدالت و قسط امر فرموده و ظلم و ستم را ممنوع ساخته است، که جای بحث در مورد آنها از حوصه این مقاله خارج است. آیات نشان می‌دهند

۱. سوره بقره/آیه ۱۹۴.

۲. سوره/آیه ۱۹۰.

۳. مائده/آیه ۲.

که اصل عدالت از اصول بسیار مهم اسلام است، به گونه‌ای که خداوند شرک به خود را بی‌عدالتی و ظلم دانسته است: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»^۱. در مباحث گذشته نیز کاربردهای عملی عدالت را در سیره پیامبر گرامی اسلام، خلفای راشدین و نیز خاندان پاک حضرت، ذکر کردیم.

پس قانون بین‌المللی بشردوستانه شامل - چنان که گذشت -

۱. قانون لاهه که در سال ۱۹۰۷، ۱۸۹۹ م به تصویب رسید و حقوق و وظایف سربازان

جنگی را در زمان جنگ تنظیم کرده است.

همان گونه که اشاره شد، اسلام مجموعه‌ای از وظایف را در همه حالات بر عهده مسلمانان گذاشته است، از جمله: رعایت عدالت و عدم تجاوز به دیگران مگر به حق و به همان شکلی که آنها تجاوز کرده‌اند. پیامبر نیز مجموعه‌ای از توصیه‌ها را که ذکر کردیم، در خصوص وضعیت جنگ فرموده‌اند که به روشنی بر این مطلب دلالت دارد که سربازان حق ندارند سلاح‌های خود را به سمت کسی نشانه روند مگر به سوی سربازان جنگی.

این رویه در جنگ‌های پیامبر، خلفای راشدین و پیروان آنان اجرا می‌شد.

۲. قانون ژنو که هدف آن جلب حمایت و تعامل بشردوستانه با شهروندان غیرمسلحی است

که در جنگ شرکت نکرده‌اند. این قانون شامل موافقت‌نامه‌های چهارگانه ژنو، سال

۱۹۴۹ م در خصوص قربانیان جنگ و دو پروتکل الحاقی به آن در سال ۱۹۷۷ است که

در ژنو به تصویب رسید.^۲

توافق‌نامه‌ها به دنبال حمایت از حقوق بشر در زمان جنگ، حمایت از شهروندان، قانونی بودن

خود جنگ و... است. نظریات اسلام در خصوص این موارد گذشت.

این تحقیق متواضعانه برای ما روشن می‌سازد که فقه اسلامی در زمینه وضع مبانی و اصول

۱. سوره لقمان/ آیه ۱۳.

۲. د. عبدالغنی معروف، القانون الدولي الانساني، ص ۵.

عمومی تعامل در حال جنگ، پیش از جامعه بین الملل اقدام کرده قوانین را با دقت تمام و رعایت امانت و شفافیت کامل در جنگ‌ها و غزوات، عملی ساخت و به اجرا درآورد.

حضرت امام علی با آزمایش نیکی که در زمان حکومت ایشان واقع شد، سرمشق و الگویی مناسب در مورد جنگ‌ها و مخاصمات داخلی به ما نشان داد.

ایشان با خوارجی که نسبت به وی اهانت کرده و کافرش خواندند و علیه ایشان جنگ مسلحانه به راه انداختند، به عنوان مسلمان رفتار کرده و از غارت اموال آنان جلوگیری کرد و در نهایت نیکی با اسرا و مجروحان آنها رفتار کرد.